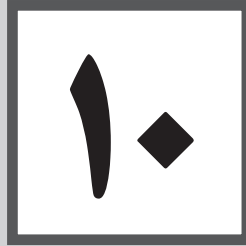


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دفتر برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری امور پژوهشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری پس از بررسی مستندات کنگره، با توجه به جایگاه علمی برگزارکنندگان و کارگروه مربوط به آن، سطح علمی و پژوهشی چهارمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی را تایید کرد. این موضوع طی نامه‌ای به شماره ۱۳۹۵۶۸ مورخ ۱۳۹۵/۰۷/۰۳ به اطلاع شورای سیاست‌گذاری کنگره رسیده است.



**مجموعه مقالات
چهارمین کنگره بین المللی
علوم انسانی اسلامی**

کمیسیون تخصصی ارتباط و جامعه‌شناسی اسلامی

اسامی هیئت داوران

کمیسیون «ارتباطات و جامعه‌شناسی اسلامی» رئیس کمیسیون: دکتر سید سعید زاهد زاهدانی

اسامی داوران به ترتیب حروف الفبا:

- سید محمدرضا تقوی: استاد گروه روان‌شناسی بالینی دانشگاه شیراز
- محسن جاجرمی زاده: استادیار دانشکده اقتصاد و مدیریت و علوم اجتماعی دانشگاه شیراز
- بیژن خواجه‌نوری: عضو هیئت علمی و دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز
- سید سعید زاهد زاهدانی: دانشیار دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی دانشگاه شیراز
- امیر سیاهپوش: استادیار گروه انقلاب اسلامی دانشگاه معارف اسلامی
- فریبا شایگان: استاد جامعه‌شناسی دانشگاه علوم انتظامی امین
- منصور طبیعی: استادیار بخش جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی اجتماعی دانشگاه شیراز
- محمدتقی عباسی شوازی: استادیار بخش جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی اجتماعی دانشگاه شیراز
- حلیمه عنایت: استاد بخش جامعه‌شناسی و رئیس مرکز مطالعات زنان دانشگاه شیراز
- اسفندیار غفاری نسب: عضو هیئت علمی و دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز
- علیرضا فارسی نژاد: عضو هیئت علمی و استادیار دانشگاه شیراز
- علی فتوتیان: دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز
- محمدعلی گودرزی: استاد گروه روان‌شناسی بالینی دانشگاه شیراز
- سید اسماعیل مسعودی: دانشجوی دکتری دانشگاه شیراز
- مجید مجد موجد: استاد دانشگاه شیراز
- مریم مؤمنی: دانشجوی دکتری مسائل اجتماعی ایران-عضو پژوهشکده تحول در علوم انسانی دانشگاه شیراز
- علی محمد ولوی: استاد دانشگاه الزهرا (سلام‌الله‌علیها)

سرشناسه	کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی (چهارمین : ۱۳۹۶ : تهران)
عنوان و نام پدیدآور	International Conference on Islamic Humanities (4th : 2017 : Tehran)
در چهارمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی : حامیان برگزاری کنگره مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا ... (و دیگران) :	مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی نویسندگان جمعی از نویسندگان مقاله ویراستار مرتضی طباطبایی.
مشخصات نشر	تهران: آفتاب توسعه، ۱۳۹۸ -
مشخصات ظاهری	ج ۱۰ :
شابک	دوره: ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۶۸۹ : ج ۱۰ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۰۲۱ : ج ۱۰ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۱۹ : ج ۲ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۲۶ : ج ۳ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۳۳ : ج ۴ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۴۰ : ج ۵ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۵۷ : ج ۶ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۶۴ : ج ۷ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۷۱ : ج ۸ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۸۸ : ج ۹ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۹۵ : ج ۱۰ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۸۰۰
وضعیت فهرست نویسی	فیا :
یادداشت	کتابنامه .
مندرجات	۱. کمیسیون تخصصی تعلیم و تربیت اسلامی. - ج. ۲. کمیسیون تخصصی فلسفه و روش‌شناسی علوم انسانی اسلامی. - ج. ۳. کمیسیون تخصصی مدیریت اسلامی. - ج. ۴. کمیسیون تخصصی علوم سیاسی اسلامی. - ج. ۵. کمیسیون تخصصی اقتصاد اسلامی. - ج. ۶. مقالات کمیسیون تخصصی تمدن نوین اسلامی. - ج. ۷. مقالات کمیسیون تخصصی روان‌شناسی اسلامی. - ج. ۸. مقالات کمیسیون تخصصی هنر و معماری اسلامی اسلامی. - ج. ۹. مقالات کمیسیون تخصصی فقه و حقوق اسلامی. - ج. ۱۰. مقالات کمیسیون تخصصی ارتباطات و جامعه‌شناسی اسلامی. -
موضوع	علوم انسانی(اسلام) -- کنگره‌ها
موضوع	Humanities (Islam) -- Congresses :
موضوع	علوم انسانی -- کنگره‌ها
موضوع	Humanities -- Congresses :
شناسه افزوده	مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا
رده بندی کنگره	BPT۳۲ :
رده بندی دیویی	۲۹۷/۴۸۵ :
شماره کتابشناسی ملی	۵۹۴۰۳۹۸ :

مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی

جلد دهم | کمیسیون تخصصی ارتباطات و جامعه‌شناسی اسلامی

ناشر: انتشارات آفتاب توسعه (ناشر آثار مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا)

نویسندگان: جمعی از نویسندگان مقاله در چهارمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی

ویراستار: مرتضی طباطبایی

طراحی جلد: سید ایمان نوری نجفی

صفحه آرای: یوسف بهرخ

نوبت و سال انتشار: نخست، بهار ۱۳۹۸

شمارگان: ۵۰۰ دوره

شابک دوره: ۹۷۸-۹۶۴-۷۸۶۷-۶۸-۹

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۸۶۷-۷۹-۵

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

نشانی ناشر: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، خیابان کشوردوست، کوچه نوشیروان،

پلاک ۲۶، طبقه چهارم، مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا

کد پستی: ۱۳۱۶۷۳۴۴۵۸

تلفکس: ۰۶۶۴۰۹۰۵۶،

www.sccsr.ac.ir

پایگاه اینترنتی:

info@sccsr.ac.ir

رایانامه:

فهرست مطالب

کمیسیون تخصصی ارتباطات و جامعه‌شناسی اسلامی

۹

«هستی‌شناسی اجتماعی» در حکمت صدرایی
(بررسی «تکوین جامعه» و «هستی اجتماعی انسان» در حکمت متعالیه)
غلام حیدر کوشا

۳۵

بازتعریف مفهوم سبک زندگی بر اساس نظریه اعتباریات علامه طباطبائی
مسعود کریمی بیرانوند

۶۱

جایگاه «انگاره‌پژوهی» در اندیشه اجتماعی حوزوی
(جریان‌شناسی اسلامی سازی علوم انسانی در تحقیقات اجتماعی حوزه علمیه قم)
غلام حیدر کوشا

۸۷

مرور ادبیات مطالعات سبک زندگی در آثار برخی متفکران مسلمان
سیدمحمدتقی موسوی فر

۱۱۵

مدل تبلیغ بین‌المللی اسلام بر مبنای نظریات ارتباطات بین‌الملل
احمد اولیایی

۱۳۷

مدرنیته و سکولاریزاسیون معرفتی در افغانستان
امان‌الله فصیحی

- ۱۶۱ بایسته‌های روش‌شناختی تولید نظریه در عرصه‌های جدید اجتماعی از منظر اسلامی
حسن یوسف‌زاده
- ۱۹۷ بررسی و ارزیابی الگوی حضور اجتماعی زنان از منظر جریان‌ات فکری اسلامی
سیدسعید زاهد زاهدانی، مریم هاشم پورصادقیان
- ۲۱۹ بازشناسی و عیارسنجی دو روایت رئالیستی برای تبیین جنبش اجتماعی
رضا نظریان
- ۲۵۱ انواع اطلاع‌رسانان و کارکرد آنان از منظر قرآن
نوروز شفیع‌تبار سماکوش، حمید قاضی‌زاده، حیدر مختاری
- ۲۶۳ پدیدارشناسی گونه‌های دین‌داری دانشجویان
صابر جعفری کافی‌آباد، محمد سید غراب
- ۲۹۷ درآمدی بر وظایف روابط عمومی از منظر قرآن کریم
روح‌الله داوری، عباس مصلاهی‌پوریزدی
- ۳۱۷ بررسی میزان هم‌مدلی گزاره‌های بنیادین جامعه‌شناسی با دین اسلام
محمد مسعود سعیدی
- ۳۴۷ معضل تکثر پارادایمی در نظریه‌های جامعه‌شناسی و راه‌حل‌های تلفیقی
قربان‌علی فکرت
- ۳۸۱ نسبت عدالت طبقاتی و بافت فیزیکی شهر پس از ورود اسلام به ایران
سیدسعید زاهد زاهدانی، مهدی مقدسی
- ۳۹۹ آرامش زن در خانواده: مطالعه موردی زنان میانسال و متأهل شیراز
سیدسعید زاهد زاهدانی، سیده فاطمه ساجدی

پدیدارشناسی گونه‌های دین‌داری دانشجویان^(۱)

صابر جعفری کافی آباد (نویسنده مسئول)
دانشجوی دکتری رشته جامعه‌شناسی نظری - فرهنگی دانشگاه تهران، ایران، تهران

saberjafari65@ut.ac.ir

محمد سید خراب
کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی، ایران، تهران

seyed466@yahoo.com

چکیده

از پیشرفت‌های جامعه‌شناسی دین، فرازوی از الگوهای صلب و تک‌بعدی «دین‌داری» به سمت الگوهای پیچیده‌تر دین‌داری یا «دین‌داری‌ها» است. فاقد قدر مشترک بودن افرادی با الگوهای دین‌داری متفاوت، امکان مقایسه تطبیقی و اندازه‌گیری در مقیاسی واحد را سلب می‌کند. چنین وضعیتی، ضرورت گونه‌شناسی نسبت‌های مختلف افراد با مقوله دین را توجیه می‌نماید. هدف از این پژوهش، گونه‌شناسی مواضع معرفتی دانشجویان نسبت به دین است. به منظور تعیین موضع و مواضع دانشجویان، صرفاً بر وجوه معرفتی و نگرشی دانشجویان تأکید شده و در مواردی که از مسائل عملی پرسش شده، موضع معرفتی فرد نسبت به مسئله مذکور مد نظر بوده است. داده‌های این پژوهش از مصاحبه‌های عمیق با پنجاه نفر از دانشجویان دانشگاه‌های تهران و شریف و در دو مرحله به دست آمده‌اند. در این پژوهش از روش نظریه‌مبنایی برای تحلیل و طبقه‌بندی داده‌ها در * این مقاله با هماهنگی دبیرخانه دانی کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی در فصلنامه شماره چهارم تحقیقات کاربردی علوم انسانی اسلامی منتشر شده است.

جهت دستیابی به الگوی گونه‌شناسی استفاده شده است. چارچوب مفهومی نیز از رفت‌و بازگشت میان قیاس (ادبیات نظری موجود) و استقرا (داده‌های تجربی حاصل از مصاحبه‌های مرحله اول) و در شش محور کلی (نگرش به دین و هستی‌شناسی، انتظار از دین، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی، غایت و معنای زندگی و مبانی اخلاقی) تثبیت شده و مبنای مصاحبه‌های مرحله دوم قرار گرفته است. نتایج حاصل از کدگذاری داده‌ها ذیل محورهای صورت‌بندی شده در چارچوب مفهومی، در قالب مدلی تحلیلی، الگویی چهاروجهی (راهبردهای هستی‌شناسانه، راهبردهای معرفتی فرد نسبت به دین، موضع فرد نسبت به کیفیت حضور دین در اخلاق اجتماعی و سیاست و بازتاب مواضع معرفتی در اتخاذ راهبرد عملی نسبت به دین) را برای گونه‌شناسی مواضع معرفتی دانشجویان نسبت به دین فراهم کرده است.

کلیدواژگان: گونه‌شناسی، موضع معرفتی، دین، دانشجویان، دین‌داری‌ها.

۱. طرح و ضرورت مسئله

مطالعات دین‌داری در ایران را می‌توان در شش سرفصل از هم تفکیک کرد:

۱. مطالعات پیمایشی درباره میزان دین‌داری؛
۲. مطالعات درباره عوامل مؤثر بر دین‌داری؛
۳. مطالعات درباره رابطه همبستگی دین‌داری و پدیده‌های دیگر؛
۴. مطالعات درباره نگرش افراد راجع به دین و دین‌داری؛
۵. مطالعات گونه‌شناسی دین‌داری؛
۶. مطالعات پیمایشی به منظور مشخص کردن نوع دین‌داری افراد و تعیین سهم هر یک در جامعه مورد مطالعه (شجاعی‌زند، ۱۳۸۴، ص ۳).

اما به طور خاص، گونه‌شناسی دین‌داری نسبت به دیگر زمینه‌های تحقیقاتی جامعه‌شناسی دین مانند مطالعه میزان دین‌داری، حجم کمتری از پژوهش‌ها و تحقیقات دانشگاهی را به خود اختصاص داده است (محدثی، ۱۳۷۹). صرف‌نظر از کمبود مطالعات جدی در این زمینه، محققانی مانند محدثی (۱۳۹۲) بر امتناع اندازه‌گیری میزان دین‌داری و امکان و اولویت رتبه‌بندی و مطالعه نوع دین‌داری تأکید کرده‌اند و شجاعی‌زند (۱۳۹۱) نیز در مقاله خود بر این امر تأکید

می‌ورزد که ما با «دین‌داری‌ها» مواجهیم و نه «دین‌داری» (حسن‌پور، ۱۳۹۳، ص ۶۲). اساساً زمانی می‌توان از اندازه‌گیری و امکان و اولویت رتبه‌بندی سخن گفت که معیار واحدی وجود داشته باشد و داده‌ها در محک آن، سامان و ترتیب یابند؛ یعنی صرفاً یک نوع دین‌داری و توزیع انسان‌ها بر حسب شدت و ضعف در امتداد این طیف دین‌داری. این بدان معناست که سبک دین‌داری واحدی وجود داشته باشد و شدت و ضعف دین‌داری همه افراد بر حسب مؤلفه‌های آن تعیین‌پذیر باشد. این در حالی است که می‌توان از دین‌داری‌های مختلفی سخن گفت که به دلیل فقدان قدر مشترک، نمی‌توان به لحاظ شدت و ضعف، هیچ‌یک را بر دیگری اولویت بخشید.

حضور افراد در دانشگاه به عنوان دانشجو و به دنبال آن امکان‌های متفاوتی که برای چگونگی رقم زدن تجارب معرفتی خویش به دست می‌آورند، موضوعی بسیار درخور توجه بوده است. حجم بسیار گسترده مطالعات درباره دین‌داری دانشجویان یا هر نسبت دیگری که این گروه با امر دین برقرار می‌سازد، گواهی روشن بر این واقعیت است (موحد و حمیدی‌زاده، ۱۳۸۹؛ راد و منبری، ۱۳۸۸؛ توسلی و مرشدی، ۱۳۸۵؛ حبیب‌زاده، ۱۳۸۴؛ میرسندسی، ۱۳۸۳؛ و...). با ورود به عصر سکولار، صرف نظر از اینکه در جبهه طرف‌داران نظریه سکولاریزاسیون (وبر، ۱۳۹۲؛ بروس، ۲۰۰۲؛ برگر، ۱۹۶۷؛ و...) یا نظریه افول سکولاریسم (برگر، ۱۳۸۰) قرار بگیریم، ضرورت پرداختن به جایگاه ویژه دست‌اندرکاران نهاد علم از جمله دانشجویان انکارناپذیر است. از سویی نظریه‌پردازان و بسط‌دهندگان ایده سکولاریزاسیون، یکی از مهم‌ترین مجاری بسط و اشاعه چنین وضعیتی را علم و علم‌گرایی و مرجعیت نهادهای علمی‌ای چون دانشگاه معرفی می‌کنند (کمالی اردکانی، ۱۳۹۱؛ کرمی، ۱۳۸۸؛ ربانی گلپایگانی، ۱۳۸۶؛ همتی، ۱۳۸۴؛ شجاعی‌زند، ۱۳۸۱ و...). از سویی دیگر، نظریه‌پردازان افول سکولاریسم علی‌رغم تأکید بر این امر که جهان کماکان در حال تجربه حیاتی دینی است، بر معضله‌دارشدن رابطه میان خرده‌فرهنگ روشن‌فکری و دانشگاهی با امر دین اذعان دارند.

این پژوهش درصدد بررسی موضوع معرفتی دانشجویان نسبت به دین است. با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان پرسش‌های اصلی این پژوهش را بدین صورت مطرح کرد:

۱. دانشجویان به لحاظ معرفتی چه موضعی نسبت به دین در پیش می‌گیرند؟

1. Weber
2. Bruce
3. Berger

۲. آیا می‌توان مدلی برای گونه‌شناسی مواضع معرفتی دانشجویان نسبت به دین ارائه کرد؟

۳. چه الگوهایی را می‌توان در میان مواضع دانشجویان نسبت به دین تشخیص داد؟

می‌توان اهداف این پژوهش را نخست، تشخیص و صورت‌بندی محورهای تعیین‌کننده شکل‌گیری مواضع دانشجویان نسبت به دین دانست. در وهله دوم با کدگذاری و مقوله‌بندی مواضع دانشجویان در محورهای تعیین‌شده، نوعی گونه‌شناسی ابتدایی در هر یک از این محورها ارائه شده است. در نهایت با طبقه‌بندی کدگذاری‌های انجام‌شده در هر یک از محورها در قالب مدلی تحلیلی، الگویی چندبُعدی برای گونه‌شناسی مواضع معرفتی دانشجویان نسبت به دین ارائه شده است.

۲. پیشنهاد تحقیق

حسن‌پور (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «نقد مطالعات گونه‌شناسی دین‌داری و ارائه چارچوبی نو»، پیشنهاد پژوهش‌های این حوزه را به‌خوبی در قالب دو رهیافت کلی معرفت‌شناسانه و جامعه‌شناسانه طبقه‌بندی می‌کند. رهیافت معرفت‌شناسانه، مطالعاتی را دربرمی‌گیرد که عمدتاً روشن‌فکران دینی انجام داده‌اند. این مطالعات با «شیوه گونه‌شناسی قیاسی» و بدون حضور در میدان تحقیق انجام شده‌اند. این مطالعات، نگرش‌ها و قرائت‌های دینی افراد را گونه‌شناسی نموده‌اند، نه دین‌داری افراد را به صورت تام. آثار کسانی مانند کدیور (۱۳۸۵)، مجتهد شبستری (۱۳۸۱)، ملکیان (۱۳۷۸) و سروش (۱۳۷۸)، در این دسته می‌گنجد. «معیار گونه‌شناسی» در تحقیق کدیور، شیوه مواجهه با سنت نبوی و تأکید بر عقل و احیاءگری دینی، در مطالعه شبستری، تکیه بر مقومات تفسیر، فهم متون و شیوه خوانش آن، در مطالعه ملکیان مواجهه با مدرنیته، ارزش‌های سیاسی و میزان استفاده از عقل استدلال‌گر و در مطالعه سروش اهمیت عقل، میزان قبض و بسط آن و تأکید بر احیاءگری دینی بوده است (حسن‌پور، ۱۳۹۳، ص ۶۸).

حسن‌پور مطالعات رویکرد جامعه‌شناسی را بر اساس «شیوه گونه‌شناسی» به سه دسته تفکیک می‌کند:

اول، مطالعاتی که «الگوی گونه‌شناسی» خود را با «شیوه گونه‌شناسی» استقرایی و با «روش گونه‌شناسی» کیفی و با ابزار مصاحبه ارائه کرده‌اند. این مطالعات، فاقد «معیارگونه‌شناسی» هستند و صرفاً گونه‌شناسی کرده‌اند. تحقیقات افرادی چون اسدی (۱۳۹۰)، خسروخواهر (۲۰۰۷)، فراستخواه (۱۳۸۶)، غلامی‌زاده‌بهبهانی (۱۳۸۵)، آروین (۱۳۸۴)، محمدی‌اردکانی (۱۳۸۲)،

نیک‌پی و خسروخاور (۱۳۸۲) در این دسته قرار می‌گیرند (حسن‌پور، ۱۳۹۳، ص ۶۸)؛ دوم، تحقیقاتی هستند که مطالعه خود را با «شیوه قیاسی» و با «روش گونه‌شناسی» کمی و پیمایش انجام داده‌اند. این مطالعات به طور کلی پس از ارائه «الگوی گونه‌شناسی» خود معیار تمیز میان گونه‌های شناسایی شده را تحت عنوان «معیار گونه‌شناسی» ارائه نکرده‌اند. مطالعات افرادی مانند گنجی و هلالی (۱۳۹۰)، هوشنگی (۱۳۸۶)، شایگان (۱۳۸۶)، توسلی و مرشدی (۱۳۸۵)، حبیب‌زاده (۱۳۸۴)، میرسندسی (۱۳۸۳)، ملاحسنی (۱۳۸۱)، آزاد ارمکی و غیاثوند (۱۳۸۱)، بیابانی (۱۳۸۱) و نیک‌پی (۱۳۸۰) ذیل این دسته‌بندی قرار می‌گیرند (حسن‌پور، ۱۳۹۳، ص ۶۹)؛ سوم مطالعاتی مانند ذوالفقاری (۱۳۸۹) و سراج‌زاده و همکاران (۱۳۸۳) هستند که برای رسیدن به انواع دین‌داری، با مرور نظریات و پیشینه بحث‌ها در باب انواع دین‌داری، مدل گونه‌شناسی یک محقق مانند شپرد^۱ یا جان هیک^۲ را برگزیده و مدل آنان را در جامعه مورد نظر خود آزمون کرده‌اند (حسن‌پور، ۱۳۹۳، ص ۷۱).

در نهایت مطالعه حسن‌پور (۱۳۹۳)، خود ذیل مطالعات درجه دومی قرار می‌گیرد که به منظور دستیابی به الگویی برای مطالعات گونه‌شناسی دین‌داری، به نقد و بررسی تحقیقات انجام شده در ایران می‌پردازد. می‌توان مطالعه حسن‌پور را پژوهشی در جهت نقد و ارزیابی تحقیقات گونه‌شناسی دین‌داری معرفی کرد.

۳. روش پژوهش

هدف از این پژوهش آن است که با استفاده از روش نظریه زمینه‌ای، مدلی برای ارزیابی و گونه‌شناسی موضوع معرفتی دانشجویان نسبت به دین ارائه شود. ابتدا با بررسی ادبیات نظری موجود در این زمینه، چارچوبی کلی و اولیه متضمن هشتاد مؤلفه برای بررسی موضوع معرفتی دانشجویان نسبت به وجوه مختلف دین تنظیم شد. در این چارچوب بسیار کلی و مبسوط که در حکم دانش زمینه‌ای برای این حوزه مطالعاتی بود، تلاش شد بیشتر مؤلفه‌های اشاره‌شده در ادبیات نظری موجود گنجانده شوند و برای تدوین چارچوب نهایی، مرحله به مرحله غربال، اصلاح و مجدداً دسته‌بندی شوند. در بیست مصاحبه نخست که به صورت مصاحبه‌های باز و به دلیل طولانی بودن، در چند مرحله با دانشجویان انجام شد، موضوع دانشجویان نسبت به این مؤلفه‌ها

1. Shepard
2. John Harwood Hick

ارزیابی شد. البته این پژوهش به لحاظ صوری در طبقه‌بندی و نظم‌بخشی به داده‌ها از همان اصول کدگذاری‌های روش نظریه زمینه‌ای پیروی می‌کند؛ اما به لحاظ محتوای داده‌های گردآوری‌شده (روایت‌ها و مصاحبه‌های نیمه‌ساخت‌یافته در قالب چارچوب مفهومی تنظیم‌شده) از تکنیک روایت‌پژوهی پدیدارشناسانه برای تحلیل استفاده شده است.

۴. چارچوب مفهومی

با استفاده از کدگذاری محوری نتایج حاصل از بیست مصاحبه اکتشافی اول، چارچوبی مفهومی متشکل از ۲۳ مؤلفه در قالب شش محور اصلی تنظیم شد. این ۲۳ مؤلفه بر اساس شاخص‌هایی چون حساسیت بالا و قدرت تمایزگذاری بیشتر مواضع معرفتی دانشجویان نسبت به دین انتخاب شدند. جداول زیر، چارچوب مفهومی تثبیت‌شده نهایی و پرسش‌هایی را نشان می‌دهند که در مصاحبه‌های نوبت دوم ذیل مؤلفه‌های مشخص‌شده از مصاحبه‌شوندگان پرسیده می‌شوند.

محورهای نگرش به دین، انتظار از دین، مبانی معرفت‌شناختی، مبانی انسان‌شناختی، مبانی غایت‌شناختی و مبانی اخلاق و ارزش‌شناختی، محورهایی هستند که می‌توان در چارچوب آنها به طور جامع رابطه مواضع معرفتی فرد را با دین بررسی کرد. می‌توان این شش محور را به‌نوعی با تعریف معروف و جاافتاده دین به عنوان امری متشکل از سه ساحت کلی اصول عقاید^(۲) (توحید و نبوت و معاد)، اخلاقیات و احکام (مطهری، ۱۳۶۹؛ مصباح یزدی، ۱۳۷۰؛ سبحانی تبریزی ۱۳۷۴؛ جوادی آملی، ۱۳۷۲) متناظر دانست:

محور نگرش به دین: بنیادی‌ترین باورهای فرد درباره هستی و خداوند را طرح می‌کند که مشخصاً مباحث ناظر به اصل توحید از اصول اعتقادی را تحت پوشش قرار می‌دهد. رابطه میان «دین» و این باورهای اعتقاد بنیادی در ذیل همین محور مورد پرسش قرار می‌گیرد.

جدول شماره ۱. محور نگرش به دین

مؤلفه‌ها	پرسش‌های مصاحبه‌ها
خدای خالق به جای شارع	تلقى شما از خدا چیست؟ حضور خدا را در زندگی‌تان چه طور احساس می‌کنید؟ (نقش خدا در زندگی‌تان چیست؟) دین چه حضوری در زندگی شما دارد؟

عدم اعتقاد به ربوبیت و حکمت و عدالت	جنس حضور خدا در زندگی شما، چه نسبتی با جنس حضور دین در زندگی شما دارد؟ یکی است یا متفاوت است؟ [جایگاه دین در زندگی شما چیست؟]
برساختی بودن دین/ اعتقاد به وجود ارزش ثابت دینی	دین از کجا آمده است؟ منشأ دین به نظر شما چیست؟ تعریف شما از دین چیست؟
توجه افراطی/ تقریبی به متولیان دین به جای حذف منبع اصلی دین/ نهاد دین	نقش روحانیت در دین چیست؟ مرز حضور روحانیون در دین تا کجا باید باشد؟ نظر شما درباره روحانیون چیست؟ به نظر شما تا چه اندازه دارند کارشان را درست انجام می‌دهند؟ در چه مواردی باید وارد شوند و در چه مواردی نباید؟

محور انتظار از دین: رابطه فرد با تعین و حضور عینی دین در زندگی عملی و اعمال و رفتار فرد را بررسی می‌کند که به ساحت رفتار و احکام عملی مربوط است.

جدول شماره ۲. محور انتظار از دین

مؤلفه‌ها	پرسش‌های مصاحبه‌ها
تلقی از معنویت و نسبت آن با عبودیت (معنویت به جای عبودیت)	تعریف شما از معنویت چیست؟ شما در دین چقدر این معنویت را مشاهده می‌کنید؟ (چقدر از دین، آن آرامش و حال معنوی است؟) وقتی آرامش دارید دین به چه دردی می‌خورد؟! به نظر شما دین فقط باید آرامش بدهد یا بعضی وقت‌ها باید قرار شما را هم سلب کند؟ به نظر شما احکام معاملات، حج و جهاد و... نیز معنویت دارای معنویت‌اند؟
دین برنامه تمام شئون زندگی/قلمرو دین	در این دنیا به نظر شما دین تا کجا و در کدام ساحت‌ها باید حضور داشته باشد؟ در چه ساحت‌هایی به نظر شما حضور دین اصلاً ضرورتی ندارد؟ فکر می‌کنید دین از پس تدبیر همه‌جانبه این دنیای شما بر می‌آید؟ (آیا مثلاً اقتصاد را باید به دست اقتصاددان‌ها سپرد یا اینکه دین هم در این حوزه‌ها نظر دارد؟)
حکومت و ولایت فقیه	به نظر شما دین امری شخصی است یا برای جامعه، سیاست و حکومت هم برنامه دارد؟ این برنامه‌اش چقدر فراگیر است؟ شما با کدام یک موافقت می‌کنید؟ حکومت سکولار، حکومت دین‌داران (بازرگان)، حکومت دینی (بر مبنای دین و ولایت فقیه)

<p>رابطه شما با اهل بیت <small>علیهم‌السلام</small> چگونه و از چه سنخ است؟! به چه میزان در دنیای کنونی، نقش الگویی برای اهل بیت <small>علیهم‌السلام</small> قائل هستید؟ نقش اهل بیت <small>علیهم‌السلام</small> در تبیین دین چیست؟</p>	<p>عدم رجوع به اهل بیت <small>علیهم‌السلام</small></p>
<p>جاهایی که گزاره مستقیم دینی درباره بعضی مسائل نداریم، چه باید کرد؟ به نظر شما دین با چه مکانیسمی به مسائل امروز ما پاسخ می‌دهد؟ آیا اصلاً دین برای خیلی از مسائل امروز ما برنامه‌های دارد؟ منابع دینی ما ظرفیت پاسخ‌گویی به تمام مسائل جدید را دارند؟ به نظر شما دین در قبال اقتضانات روزگار و مسائل جدید چگونه باید عمل کند؟ آیا رساله‌ها نباید به‌روز بشوند؟ (در مسائلی همچون بلوغ دختران و پسران، موسیقی، روابط دختر و پسر). بعضی جاها به نظر می‌رسد کشفیات جدید علمی یا برخی دریافت‌های عقلی ما، بعضی از احکام دینی را زیر سؤال می‌برند. نظر شما چیست؟ (مثال الکَل)</p>	<p>به‌روز نبودن احکام/ مصالح مرسله/ فقدان نص/ هرمنوتیک (تفسیر به رأی)/ فقه در برابر علم/ عدم وجود دلیل علمی و عقلی برای احکام/ عدم بیان همه آنچه در هدایت مؤثر است توسط خداوند</p>

محور مبانی معرفت‌شناختی: این محور صرف نظر از اینکه اساساً به بحث‌هایی درباره حجیت معرفتی وحی و اصل نبوت از اصول سه‌گانه دامن می‌زند، به عنوان بنیان رویکرد شناختی و معرفتی فرد به اصول اعتقادی مذکور، یکی از محورهای اصلی چارچوب مفهومی را شکل می‌دهد.

جدول شماره ۳. مواضع معرفت‌شناختی نگرش دینی

مؤلفه‌ها	پرسش‌های مصاحبه‌ها
قرائت‌پذیری گزاره‌های دینی	نظر شما درباره تفاسیر و قرائت‌های مختلف از گزاره‌های دینی چیست؟ (مثلاً نظر شما درباره تفسیر علمی از قرآن، مانند تفسیر مهندس بازرگان، چیست؟) آیا می‌شود منظور دقیق گزاره‌های دینی در نصوص وارده را فهمید؟ به نظر شما قرآن ابهام دارد یا نه؟
یقین به جای ظن (حجت داشتن)/ حقیقت ثابت و دست‌یافتنی و غیر متکثر (نسبیت و شک‌گرایی)/ میزان و محک داشتن (وحی یا عقل)	آیا می‌شود در این دنیا به یقین رسید؟ [آیا حقیقت ذاتی و خدشه‌ناپذیر وجود دارد؟] آیا می‌شود به آن حقیقت دست پیدا کرد؟ [به چه چیزهایی یقین دارید؟] با اینکه درباره یک مسئله نظرات مختلفی وجود دارد، آیا می‌شود به امری یقینی رسید؟ احترام گذاشتن به باورهای مختلف نزد شما چگونه است؟ آیا به نظر شما قرآن تحریف شده است؟ با چه ملاک و معیاری و چگونه؟
عدم اعتقاد به محدودیت عقل	به نظر شما عقل تا کجا کارایی دارد و انسان را تا کجا می‌تواند برساند؟ آیا تمام فراز و نشیب‌های زندگی و مسیر سعادت، کمال و موفقیت را می‌شود با عقل پیمود؟

بی‌نیازی از وحی و تکیه بر علوم و توانش‌های انسانی صرف/علم‌زدگی و دل‌بستگی به علوم انسانی و تجربی	ما چه نیازی به وحی داریم؟ به نظر شما علوم از یک‌سو و نگاه وحیانی از سوی دیگر، به عنوان شیوه‌های معتبر شناخت و تدبیر امور چه جایگاهی در اندیشه‌تان دارند؟ آیا پیشرفت‌های علمی می‌توانند ما را تا حدی از وحی بی‌نیاز کنند؟ به چه میزان؟
حذف منبع اصلی دین و جای‌گزینی آن با منابع دیگر/ توجه به رسانه‌های ناممندی	دین خود را از کجا می‌گیرید؟ برای اینکه مشاهده کنید دین درباره امری نظر دارد، چه می‌کنید؟ (کجا می‌روید؟ سراغ چه کسی می‌روید؟) شما روایت چه کسی از دین را بیشتر قبول دارید؟ (شریعی، علامه طباطبائی، امام خمینی و...) و بیشتر چه سبک از دین‌داری را دوست دارید؟
اعتقاد به تعارض عقل و وحی	به نظر شما وحی و عقل چه نسبتی با هم دارند؟ آیا جایی وجود دارد که عقل و وحی با هم تعارض داشته باشند؟

محور انسان‌شناختی: صرف‌نظر از تعریف دین، به نظر می‌رسد که درک و دریافت فرد از انسان و جایگاه او در هستی، تأثیر بسزایی در بسیاری از دیدگاه‌ها و مواضع فرد بر جای می‌گذارد. از این رو این محور نیز به عنوان محوری مستقل در چارچوب مفهومی گنجانده شد.

جدول شماره ۴. موضع انسان‌شناختی

مؤلفه‌ها	پرسش‌های مصاحبه‌ها
آزادی به جای عبودیت/ انسان محق در برابر انسان مکلف	به نظر شما احکام و تکالیف دینی دست‌وپاگیرند؟ نظر شما درباره برخی محدودیت‌هایی که دین برای انسان‌ها گذاشته، چیست؟ مرزهای آزادی‌های انسان تا کجاست؟ چه چیزهایی آزادی فرد را محدود می‌کند؟

مبانی غایت‌شناختی: این محور بحث‌هایی درباره مرگ و دنیای پس از مرگ و نسبت این دنیا با دنیای پس از مرگ (اگر فرد اساساً باور داشته باشد) و مشخصاً اصل معاد از اصول سه‌گانه اعتقادی را واکاوی می‌کند.

جدول شماره ۵. موضع هدف و غایت زندگی

مؤلفه‌ها	پرسش‌های مصاحبه‌ها
نسیان خود، خداوند و معاد	مرگ (و حساب و کتاب دنیای آخرت و معاد) را چگونه می‌بینید؟ درک شما از مرگ (و حساب و کتاب دنیای آخرت و معاد) چیست؟ اگر به شما بگویند که فلان وقت خواهید مرد، در چه صورتی رضایت خواهید داشت؟
غفلت از آخرت و توجه به دنیا	آیا تا حالا شده که فکر کردن به مرگ و دنیای پس از مرگ موجب شده باشد کار خوبی انجام دهید یا انجام کار بدی را ترک کنید؟ فکر مرگ و دنیای بعد از آن، در تصمیم‌گیری‌هایتان تأثیر دارد؟ بیشتر در کدام کارهایتان به یاد مرگ و آخرت می‌افتید؟

اهداف انسانی محض، بدون در نظر گرفتن توحید	کلان‌ترین اهداف (دنیایی و اونی دنیایی) شما که زندگی‌تان را معطوف به آنها سامان می‌دهید و خواهید داد، کدام‌اند؟ چقدر از این دنیایان را به خاطر آن دنیایان زندگی می‌کنید؟
---	---

مبانی اخلاق و ارزش‌شناختی: این محور مباحث ناظر به ساحت اخلاقیات را طرح می‌کند.

جدول شماره ۶. مواضع اخلاقی و ارزش‌شناختی

مؤلفه‌ها	پرسش‌های مصاحبه‌ها
استقلال اخلاق از دین/ عدم تأثیر توحید در اخلاق و رفتار (رفتار انسانی یا الهی)	آیا بدون دین هم می‌شود اخلاقی بود؟ حقوق بشر یک مانیفست اخلاقی جهانی و بین‌المللی است؛ این مانیفست برای شما بیشتر معیار عمل است یا آموزه‌های اخلاقی دین؟! مخصوصاً جاهایی که اینها با یکدیگر تعارض‌هایی داشته باشند.
مبنای حقوق اجتماعی	نظر شما درباره موضع دین نسبت به زنان و تفاوت‌هایی که در احکام و توصیه‌های متفاوت (ارث، دیه، شاهد، قضاوت) به زنان و مردان داشته است، چیست؟
مسئولیت‌پذیری انسانی یا توحیدی	خدا بر چه اساس و معیاری افراد را مورد محاسبه قرار می‌دهد؟! دریافت‌های انسانی و درونی و فطری خود افراد یا رساله‌های مراجع و...؟ در انجام اعمال و رفتارهای مختلف، خودتان را در قبال چه کسی مسئول می‌دانید؟
حسن فاعلی/ فعلی محض	به نظر شما دل آدم پاک باشد، کفایت می‌کند؟ صورت ظاهری اعمالی که ما انجام می‌دهیم، چقدر اهمیت دارند؟

۵. انتخاب نمونه

برای هر چه بیشتر شدن تنوع، تلاش شده تا از راهبردهای مختلفی در انتخاب مشارکت‌کنندگان استفاده شود. افراد مشارکت‌کننده، غالباً عبارت بودند از: فعالان تأثیرگذار تشکلهای مختلف دانشجویی، برگزیدگان المپیادهای علمی دانشگاهی، دانشجویان شناخته‌شده‌ای که از نفوذ بسیاری در میان دیگر دانشجویان برخوردار بودند و تغییررشته‌ای‌هایی که انگیزه‌هایی دینی برای این تغییر داشتند. برای دسترسی و شناسایی این افراد از راهبردهایی چون نمونه‌های افراطی و نمونه‌های در دسترس و نمونه‌گیری گلوله‌برفی و مراجعه به افراد مطلع استفاده شد.

۶. یافته‌های پژوهش

۱-۶. یافته‌های توصیفی

میانگین سنی مصاحبه‌شوندگان در پسران ۲۴ و در دختران ۲۳ سال بوده است. مصاحبه‌شوندگان با نسبت جمعیتی تقریباً برابری از دانشگاه‌های تهران و صنعتی شریف (۴۶ و ۵۴ درصد) انتخاب

شده‌اند. ۴۸ درصد از پاسخ‌گویان را پسران و ۵۲ درصد از ایشان را دختران تشکیل می‌دهند. ۳۶ درصد از مقطع کارشناسی و ۳۶ درصد از مقطع کارشناسی ارشد و ۲۸ درصد از مقطع دکتری هستند. جزئیات تفصیلی‌تر را می‌توان در جدول زیر مشاهده نمود.

جدول ۷ - فراوانی مربوط به مشخصات مصاحبه‌شوندگان

جنس و مقطع	دانشگاه	تهران	شریف	جمع
مرد	کارشناسی	۳ ۶٪	۵ ۱۰٪	۸ ۱۶٪
	کارشناسی ارشد	۳ ۶٪	۷ ۱۴٪	۱۰ ۲۰٪
	دکتری	۴ ۸٪	۲ ۴٪	۶ ۱۲٪
زن	کارشناسی	۲ ۴٪	۸ ۱۶٪	۱۰ ۲۰٪
	کارشناسی ارشد	۵ ۱۰٪	۳ ۶٪	۸ ۱۶٪
	دکتری	۶ ۱۲٪	۲ ۴٪	۸ ۱۶٪
جمع		۲۳ ۴۶٪	۲۷ ۵۴٪	۵۰ ۱۰۰٪

۲-۶. یافته‌های تحلیلی - تفسیری

یکی از مزایای ویژه گونه‌شناسی، امکان تقلیل و دسته‌بندی داده‌هاست (هولستی^۱، ۱۳۹۱، ص ۱۳؛ ازکیا و دربان‌آستانه، ۱۳۸۹، ص ۳۹۳؛ بیبی، ۱۳۸۷، ص ۶۶۴؛ فلیک^۲، ۱۳۸۸، ص ۳۴۸). یکی از اهداف این پژوهش، ارائه نوعی گونه‌شناسی بدیع در حوزه انواع سکولاریسم یا دین‌داری معرفی شده بود. با توجه به چارچوب مفهومی این پژوهش و روش آن، می‌توان از دو قسم امکانات چارچوب مفهومی سخن به میان آورد که می‌توانند به گونه‌شناسی سکولاریسم یا شیوه‌های دین‌داری نخبگان کمک کنند: امکانات محتوایی، امکانات ساختاری.

1. Holsti
2. Babbie
3. Flick

۱-۲-۶. امکانات ساختاری

منظور ما از امکانات ساختاری آن قسم تمایزهایی است که ساختار چارچوب مفهومی برای ما فراهم آورده است: سامان کلی‌ای که بر پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان به پرسش‌های تحلیلی استخراج‌شده از چارچوب مفهومی حاکم است.

۲-۲-۶. امکانات محتوایی

منظور از امکانات محتوایی، مضامین خاصی هستند که می‌توانند حاکی از خصیصه‌ای تعیین‌کننده در آرای فرد باشند؛ به گونه‌ای که آرای افراد مختلف در قبال این مضمون خاص، در پررنگ‌تر شدن مرزهای میان دسته‌بندی‌ها و شناسایی گونه‌های مختلف، تعیین‌کننده و راه‌گشا باشند. شکل روبرو، ساختار و منطق حاکم بر گونه‌شناسی انجام‌پذیرفته در این پژوهش را بازمی‌نمایاند. همان‌طور که مشهود است از میان امکان‌های ساختاری متعددی که می‌توان برای چارچوب مفهومی متصور بود، گونه‌شناسی چنان طراحی شده که از چهار محور، چهار خروجی به عنوان مؤلفه‌های اصلی گونه‌شناسی استخراج شوند. هرچند مصاحبه‌ها در سطح اظهارات گفتاری و شفاهی مصاحبه‌شوندگان است، اما تلاش شده است تا با تفکیک دو حوزه کلی «اظهارات فرد در حیطه حکمت نظری به عنوان پشتوانه فکری و ذهنی عملکرد عینی»، و «اظهارات مربوط به حکمت عملی به عنوان اظهارات و توصیف فرد درباره ساحت زندگی عملی»، هر چه بیشتر از امکانات ساختاری‌ای که چارچوب مفهومی در اختیارمان قرار می‌دهد استفاده شود.

محورهای کلی تحلیل

مبانی اخلاقی	انتظار از دین حکومت	انسان‌شناسی	معرفت‌شناسی	غایت و معنای زندگی	نگرش به دین و هستی‌شناسی
--------------	---------------------	-------------	-------------	--------------------	--------------------------

اخلاق دینی و سیاست عرفی
 اخلاق عرفی و سیاست عرفی
 اخلاق عرفی و سیاست دینی
 کثرت‌گرایی مبانی اخلاق و سیاست
 اخلاق انسانی
 اخلاق و سیاست ذیل دین

موضع فرد نسبت به کیفیت حضور دین در اخلاق اجتماعی و سیاست

خروجی ۴ گونه‌شناسی

راهبردها و فرآیندها برای حضور عقلی و انضمامی در جامعه

حیات انسانی

انسان‌شناسی
 انتظار از دین (نقش دین)

ایستارهای معرفتی نسبت به ساخت عمل



خروجی ۱ گونه‌شناسی
 راهبردهای هستی‌شناسانه
 مکرر لادری معرفتی کل‌گرا

خروجی ۲ گونه‌شناسی

ایستارهای معرفتی نسبت به ساخت نظر

راهبردهای معرفتی نسبت به دین

حیرانی
کثرت‌گرایی
علم‌آیینی
عقل‌آیینی
خودآیینی
بازتعریف امر معرفتی در چارچوب امر کارکردی
بازتعریف امر معرفتی به امر اعتباری (عرف آیین)
احتیاطی
علم و عقل در چارچوب دین

چشم انداز غایب‌باشناسانه

خروجی ۳ گونه‌شناسی

راهبردهای معرفتی نسبت به دین

کناره‌گیری و خودآیینی
حیرانی
ارزش‌گرایی و ادیکال
بی‌اعتنایی و التزام‌گرایی
خودآیینی مسئولیت‌گرایز
بازتعریف دین در چارچوب عرف
بازتعریف دین در چارچوب تلمیح
ارزش
تحکیم و تقویت

دو مورد از مؤلفه‌های اصلی گونه‌شناسی، مستقیماً از سه محور اول چارچوب مفهومی استخراج می‌شوند. به لحاظ ساختاری می‌توان «راهبرد هستی‌شناسانه» فرد را به عنوان خروجی اول، از نگرش‌های وی نسبت به دو محور اول «نگرش به دین و هستی‌شناسی» و «غایت و معنای زندگی» استخراج کرد. طبقه‌بندی محتوای پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان ذیل دو محور مذکور، چهار دسته کلی را ذیل مؤلفه اول گونه‌شناسی مشخص می‌سازد:

۱. منکران: تعبیر «منکر» یا «انکار» با توجه به این نکته به دسته اول نسبت داده می‌شود که ایشان اساساً هر سه اصل دین (توحید، معاد و نبوت) را نفی و رد می‌کنند. شاید بتوان مهم‌ترین مسئله‌ای را که به خوبی مبین این امر باشد، نگاه این دسته افراد به مرگ و غایت زندگی دانست. برای نمونه دانشجوی پسر ۲۴ ساله رشته اقتصاد در دانشگاه شریف، در پاسخ به پرسش از مرگ چنین می‌گوید: «تموم می‌شه دیگه؛ بعدش دیگه خبری نیست. جالبه یه زمانی می‌بینی دنیای اطرافت رو حس می‌کنی و یه لحظه بعدش دیگه هیچ خبری نیست. خیلی معمای جالبیه که چه جوری هست، وقتی نیست...»؛

۲. لادری‌ها: تعبیر «لادری» با توجه به این نکته به افراد نسبت داده می‌شود که ایشان اساساً نسبت به اصول سه‌گانه دین (توحید، معاد و نبوت) موضعی لادری‌گرایانه دارند. پسر ۲۳ ساله، دانشجوی کارشناسی رشته زیست‌شناسی دانشگاه تهران وضعیت خود در قبال دین را چنین صورت‌بندی می‌کند:

یه مدت گذشت و من به این نتیجه رسیدم که تنها چیزی که الان برای من موندنه ترسه. چون الان در مغز خودم هیچ چیزی نیست که جلوی من رو بخواد بگیره؛ من دلیلی بر اعتقاد داشتن ندارم. یادمه یه شب بود که تصمیم گرفتم این ترس رو موقتاً بذارم کنار و ببینم چی می‌شه. دیدم هیچ اتفاق خاصی نیفتاده. از اون به بعد هر روز هی این حالت لادری تقویت شد و احتمال اینکه اعتقاد نداشتن درست‌تر باشه هی در من تقویت شد و رسید به اینجا، رسید به امروز و دیگه به این چیزا اعتقاد ندارم.

۳. معترفان: تعبیر «معترفان» با توجه به این نکته به دسته سوم نسبت داده می‌شود که ایشان معترف به اصول سه‌گانه دین (توحید، معاد و نبوت) هستند؛ لکن رابطه و نسبتی که با دین برقرار می‌سازند در همین اندازه متوقف می‌ماند و در عرصه راهبردهایی که در نسبت دین با زندگی اتخاذ می‌کنند، اعتنایی جدی به آموزه‌های دینی ندارند. دختر ۲۱ ساله، دانشجوی رشته مکانیک دانشگاه شریف نسبت خود با دین را چنین بیان می‌کند:

مثلاً خیلی از چیزهای دین اسلام رو قبول دارم؛ یعنی عملاً قبول دارم چون به مدتی اتفاقاً به تضادهایی توی ذهنم به وجود اومده بود؛ چندجا رفتم با چند نفر هم صحبت کردم، بعضی کتاب‌ها رو هم خوندم [...] با اینها احساس کردم خیلی قانع شدم [...] ولی مرزی که مثلاً واسه آزادی من می‌دونم اینه که خیلی بهم سخت نیاد؛ مثلاً چه می‌دونم مثلاً تو چله تابستون گرم نشه که حالا می‌خوام حجاب داشته باشم.

۴. کل‌گرایان مقید: «کل‌گرایان مقید» یا تعبیر «تقید کل‌گرایانه» با توجه به این نکته به دسته چهارم نسبت داده می‌شود که ایشان ضمن اذعان به باور به اصول سه‌گانه دین (توحید و معاد و نبوت)، معتقدند دین باید در همه شئون زندگی ایشان حضوری جدی داشته باشد و صرف نظر از میزان تحقق آن، ایشان باید خود را ملتزم به ملاحظه چنین امری بدانند. پسر ۲۱ ساله، دانشجوی رشته معماری دانشگاه تهران، جایگاه و نسبت دین در زندگی کنونی خویش را این‌گونه معرفی می‌کند: «از فروردین ۹۴ تا الان این قضیه به طور کامل وارد زندگی من شده و شاید بگم یکی از مهم‌ترین نقطه‌های خیلی کلیدی زندگی‌ام با اینکه من اعتقادات مذهبی هم از اول داشتم، این بود که باز بهم به بار دیگه گفت که این دین‌داری‌ات رو توی کارهات هم نشون بده».

«راهبردهای معرفتی فرد در نسبت با دین»، به عنوان خروجی دوم، مستقیماً از محور سوم استنتاج‌پذیر است. طبقه‌بندی پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان، به صورت‌بندی راهبردهای زیر می‌انجامد:

۱. حیرانی: این راهبرد معرفتی پس از انقطاع نظری و معرفتی از دین و وداع همیشگی با امکان ایمانی خدشه‌ناپذیر برای فرد ایجاد می‌شود. فرد در چنین وضعیتی از دستیابی به نقطه اتکایی معرفتی که بتواند با استناد به آن مبنایی برای استنتاج احکام معرفتی یا استوارساختن ایمان بنا کند، ناامید است و چنین وضعیتی را ذاتی حوزه معرفت می‌داند و از این رو خود را ناگزیر از زیست و کنار آمدن ذهنی و عینی با چنین فضایی می‌داند. دختر ۲۳ ساله، دانشجوی رشته فلسفه علم دانشگاه شریف چنین توصیفی از وضعیت معرفتی خود عنوان می‌دارد: «من به قدری محتاج معنا هستم [که] حاضرم برم جهنم، ولی جهنمی باشه؛ ماورایی باشه. ولی ببین من نمی‌تونم. وقتی شما نتونید خودتون رو قانع کنید، نمی‌تونم به خاطر اینکه می‌ترسم به کاری رو بکنم، خواستم همین طوری ایمان داشته باشم، خیلی از خودم بدم اومد؛ واقعاً احساس کردم که دارم خیانت می‌کنم به خودم، به قوه فاهمه‌ام»؛

۲. **کثرت‌گرایی:** راهبرد کثرت‌گرایانه ناشی از این امر است که مبانی معرفت‌شناختی فرد در رفت‌و بازگشتی دائمی میان شک‌گرایی مطلق و نسبی‌گرایی ای است که به هیچ نحو نمی‌توان مفاهیم مطلقه‌ی چون خداوند و ایمان و یقین را از آن استنتاج کرد. ایمان یا مفهومی از خداوند که در چنین راهبردی در ذهن فرد ساخته شود، غالباً از جهشی ایمانی و بدون هر گونه بنیاد معرفتی سر برمی‌آورد. در این راهبرد، اتقان، جایگاهی در نظام معرفتی فرد ندارد و از همین شکاف عمیق میان ایمان و معرفت است که کثرت‌گرایی سر برمی‌آورد. دین به یکی از راه‌های شناخت تقلیل می‌یابد. از میان این راه‌های شناخت هیچ معیار معرفت‌شناختی معتبری وجود ندارد که موجب شود یکی از این راه‌های شناخت از اولویت بیشتری برخوردار باشند. معرفت دینی در این بازار رنگارنگ صرفاً یکی از دعوی معرفتی ممکن است که می‌توان بر ملاحظات برخاسته از آن گردن نهاد یا نهاد. پسر ۲۸ ساله، دانش‌آموخته رشته MBA در دانشگاه شریف، به خوبی بدین مطلب اذعان دارد:

اگره دنیای دیگه‌ای بود که ایشالا هست و تو [خداوند] از من سؤال پرسیدی، من هم بر اساس همون استدلال می‌گم که من اون جور زندگی کردم که تو می‌خواستی و در واقع اگر خیلی برات مهم بود که من جور خیلی خاصی زندگی کنم، باید خیلی محکم‌تر واسه من دلایلی می‌آوردی؛ وقتی این وجود نداره من از کجا بفهمم؟ بابا من پنج سال دویدم دنبالش پیدا نکردم. دیگه چی کار کنم؟ و اینکه این همه آدم تو دنیا هست، هفت میلیارد هست، به تعداد آدم‌ها الان قرانت از خدا هست؛

۳. **علم‌آیینی:** وجه تسمیه این راهبرد معرفتی، آن است که مبنا و دعوی اعتبار و حجیت هر امر معرفتی از جمله دین، ذیل آموزه‌های علم جدید سنجیده می‌شود. از منظر این راهبرد، در جهان افسون‌زدوده جدید، گزاره‌های دینی، فی‌نفسه نمی‌توانند حرفی برای گفتن داشته و واجد هر گونه اعتباری باشند. این راهبرد معرفتی، تنها معرفتی را که در دنیای جدید قابل اعتماد و پذیرفتنی است، علم یا همان معرفت تجربی مبتنی بر آزمون و خطا معرفتی می‌کند. پسر ۲۳ ساله، دانشجوی رشته زیست‌شناسی دانشگاه تهران، راهبرد معرفتی خود نسبت به دین را چنین بیان می‌کند:

من توی موضوعات احساسی و دینی مشکل دارم، به خاطر اینکه نمی‌تونم خیلی خوب دریافته‌شون کنم؛ در نتیجه شاید مشکل من باشه، ولی من راهی هم برای برطرف کردن این مشکل ندارم، جز اینکه بتونم سعی بکنم که منطقی سوار بکنم روی چیزی که باهاش

طرف هستم و برخورد علمی داشته باشم، با وجود محدودیت‌هاش؛

۴. **عقل آیینی:** در این راهبرد معرفتی، اصل حاکم بر حوزه معرفت و تنها راه قابل اعتماد برای شناخت، عقل خودبنیاد است. از منظر این راهبرد معرفتی، عقل اقتضانات خاص خود را دارد و چنین عقلی را به گزینش یا عدم گزینش دین یا رسیدن یا نرسیدن به ایمان راهی نیست و این انتخاب باید در جایی فراتر از چارچوب عقلانی محقق شود. مسیر دین تا عقل را شکافی پرناشدنی است. ایمان نسبتی با این عقل ندارد و البته این عقل با این مسئله کنار آمده است. هر آن، این انتخاب می‌تواند تغییر کند؛ چراکه ایمان، پشتوانه‌ای جز ایمان ندارد و با انتخاب هر باور ایمانی، درون آن حوزه ایمانی، اصلی که آیین و مبنای مهم‌ترین مواضع است، عقل خودبنیادی است که درون آن ایمان و دین حرکت می‌کند، ولی راهی به ورای آن ایمان و دین ندارد. پسر ۲۴ ساله، دانشجوی رشته فلسفه غرب دانشگاه تهران، راهبرد معرفتی خود را در قبال دین چنین بیان می‌کند: «توی فلسفه بنا به یک رویکرد تنها چیزی که اهمیت داره، استدلال معتبر منطقیه. از این جهت یه مقدار از عقاید دینی فاصله گرفتم و به تعبیری می‌شه گفت که در واقع رویکردم معرفت‌شناختی‌تر شده به دین تا اینکه در واقع بخواد از یک الگوی ایمانی پیگیری بشه»؛

۵. **خودآیینی:** فرد در این راهبرد با استناد به محدودیت‌ها و اعتمادناپذیری شیوه‌های شناخت عقلی و علمی و نیز موضع لادریگری هستی‌شناسانه که تمسک به وحی در حیطه‌های دسترسی‌ناپذیر عقل و علم را نیز منتفی می‌سازد، به نوعی خودآیینی روی می‌آورد. در چنین وضعیتی است که مفاهیم غایی و بنیادی عرصه معرفت همچون یقین، حقیقت، اعتبار و... هیچ مبنایی فراتر از تشخیص خود فرد و تفاسیر وی نمی‌یابند. پسر ۲۶ ساله، دانشجوی ارشد رشته بیوتکنولوژی دانشگاه شریف، درباره راهبرد معرفتی خود در مواجهه با دین، چنین ابراز می‌دارد:

برای کشفیات علمی، علم تجربی خیلی اعتباری قائل نیستم [...] محدودیتی که عقل ما داره یک سری اش حداقل اینه که با عقل نمی‌شه به هر چیزی رسید. [...] من به استدلالی که خدا باشه یا نباشه نرسیدم؛ یعنی فکر نکنم کسی هنوز به این رسیده باشه که خدا هست یا نیست. باید باشه یا نباشه هم کسی فکر نکنم رسیده باشه. لذا اصلاً تلقی خاصی از خدا ندارم. [...] فکرم رویه کم‌آزاد گذاشتم. واسه همین فکر کنم بیشتر این تغییرات به خاطر تأملات ذهنی بوده. چکش هم نکردم که درسته یا غلطه. بیشتر استدلال‌هایی که

کردم استدلال‌های خودم بوده برای خودم. [...] مهم‌ترین هدفم همون خوشحالیه‌ست. بیشتر اینکه که به جوری تو هر شرایطی بتونم تو زندگی ام کمترین دغدغه رو داشته باشم؛ چون من تعریفی که از سعادت کردم اون چیزیه که باعث لذت آدم می‌شه که در هر لحظه احساس رضایت کنه. فکر می‌کنم که احساس رضایت چیزیه که خود وجود آدم و ذهن آدم احساسات قلب آدم تأییدش می‌کنه. تو همین می‌گنجه؛ چیز خارج از کنترل عقل نیست. اگه برآورده شد چه درست چه غلط، چه بی‌پایه یا هرچی، اونا می‌باشه، بازم آدم احساس رضایت می‌کنه؛ می‌تونه خوشبخت باشه؛

۶. بازتعریف امر معرفتی در چارچوب امر کارکردی: در این راهبرد معرفتی، بیش از آنکه درستی یا نادرستی امری معرفتی ملاک اعتبار آن قرار گیرد، کارکرد آن تعیین‌کننده است. در این راهبرد، کارکرد موجب می‌شود که فرد علی‌رغم استدلال معرفت‌شناختی بر نسبی بودن و مشکوک بودن بنیان بسیاری امور، از التزام به پیامدهای چنین نگاهی بگریزد و حتی شاید به ایمان بدون استدلال و دلیل نیز روی بیاورد؛ البته به عنوان امری که کارکرد دارد. البته چنین ایمانی که به عنوان گریزگاهی از بن‌بست معرفت‌شناختی معرفی می‌شود، تا جایی مقبول است که کارکرد داشته باشد و اگر کارکرد خود را از دست دهد دلیلی برای چنین ایمانی و اتقانی وجود نخواهد داشت. دختر ۲۳ ساله رشته مهندسی شیمی دانشگاه شریف درباره راهبرد معرفتی خود، چنین می‌گوید:

اون چیزی که من رو قانع می‌کرد، در واقع اعتقاد به یک سری اتفاقات خاص بود. مثلاً ما مانم آدم مذهبی بود و خیلی استخاره می‌کنه؛ یعنی دیدن این چیزها و مثلاً اینکه داره جواب میده، داره کار می‌کنه برای من معنادار بود؛ تا به حدی این بودش که گیرنده بهش داره و جواب می‌ده؛ تا وقتی کارکرد داره، پذیرش و خب این در واقع منشأی شد برای ادامه دادن؛

۷. بازتعریف امر معرفتی به امر اعتباری (عرف آینی): در این راهبرد معرفتی، بیش از آنکه درستی یا نادرستی امری معرفتی ملاک اعتبار آن قرار گیرد، پذیرش و مقبولیت و همخوانی آن با عرف و اعتبار اجتماعی تعیین‌کننده است. چیزی به لحاظ معرفت‌شناختی درست است و صحت دارد که مطابق با عرف و اعتبار اجتماعی باشد و در غیر این صورت هیچ برهان و استدلالی نمی‌تواند پشتوانه آن قرار گیرد. دختر ۲۷ ساله، دانشجوی دکتری رشته مدیریت منابع انسانی دانشگاه تهران راهبرد معرفتی خود نسبت با دین را چنین تعریف

می‌کند:

مگه من خودم مرجع تقلیدم رو چند درصد بهش اعتماد دارم؟! توی همه حوزه‌ها نه! گزینشی! مجبوری بگی که از این آدمه [مرجع تقلید] فقط اینش رو قبول دارم؛ از این آدمه به نظرم اینش درستیه [...] چه می‌دونم اکثر جامعه رو می‌بینم که چه شکلی دارند رفتار می‌کنند؛ خیلی خلاف جهت سعی می‌کنم که حرکت نکنم [...] آقا اقتضای زمان ما حکم می‌کنه شما به سری از رفتارها رو ناخودآگاه انجام بدی و انجام ندادنش به نظر من شاید خیلی جاها بدتر باشه؛

۸. احتیاطی: در این راهبرد، اقتناع اعتقادی و روانی (یا مسامحتاً ایمان) شخص به بی‌نقص بودن دین به اندازه‌ای می‌رسد که در موارد اختلاف و تعارض درونی دین یا تعارض دین با امری بیرونی، نخستین موضعی که اتخاذ می‌کند، ظاهری انگاشتن تعارض مذکور یا نادرست دانستن شیوه متعارف است. در این راهبرد، فرد بیشتر به دنبال بهانه‌ای است تا پایه‌های دین‌داری خود را تقویت کند، و به واسطه آن از چارچوب‌های تعریف‌شده دینی بگریزد یا طفره رود. در این رویکرد، اغلب انتقاداتی که به دین می‌شود به نحوی نه به خود دین، بلکه به عوامل دیگر نسبت داده می‌شود؛ چراکه گویا ایمان به بی‌عیب و نقص بودن دین یک بار و برای همیشه حاصل شده است. البته میزان پایبندی عملی به لوازم چنین رویکردی، بحثی دیگر است. دختر ۲۱ ساله، دانشجوی رشته مهندسی شیمی دانشگاه شریف راهبرد معرفتی خود به دین را چنین صورت‌بندی می‌کند: «کلاً آدم عقل‌گرایی نیستیم؛ یعنی در حکم دین نمی‌تونم تشخیص بدم. متخصص نیستیم، آدم عقل‌گرایی نیستیم توی حکم دین و اینکه سعی می‌کنم کوتاه بیام، سعی می‌کنم راه پیام‌قشنگ»؛

۹. علم و عقل در چارچوب دین: این راهبرد با استناد به استدلالی مبنی بر محدودیت شیوه‌های شناخت انسانی از جمله علم و عقل، اتکا به این شیوه‌ها را برای راهبری تمامی لحظات و شئون زندگی ناکافی معرفی می‌کند. البته محدود بودن عقل یا علم منافاتی با ملاک و معیار بودن آنها در چارچوب‌های مشخص ندارد؛ لکن عقل و حتی علم با تغییر صورت مسئله معرفتی از «صادق و کاذب» یا «درست و غلط» به «حق و باطل»، مسیر خود را حرکت ذیل آموزه‌ها و حقایق دینی معرفی می‌کند. از منظر این راهبرد، دست‌آخر برای پاسخ به قیل و قال‌های معرفت‌شناختی، توقف در نظام اندیشگی به تنهایی کافی نیست. راه برون‌رفت از چنین هزارتوهای معرفت‌شناختی‌ای، عبودیت است. پسر

دانشجوی ۲۴ ساله کارشناسی ارشد هوافضا در این زمینه می‌گوید:

وحی اومده، بعد این وحی به عقل نازل شده؛ یعنی اومده توی عقل جا گرفته. دیگه کلاً ما وحی رو با عقل می‌فهمیم. اگه اون نباشه اونم نمی‌فهمیم؛ ولی اینکه تعارض داشته باشند، نمی‌تونند تعارض داشته باشند؛ چون ریشه هر جفتشون یکی هست. اگه تعارضی باشه یا از تفسیر غلط ماست نسبت به وحی یا از برداشت غلطی که نسبت به عقلانیت داریم؛ یعنی یه علم غیر یقینی رو داریم با یه علم یقینی مقایسه می‌کنیم. اگه این دو تا رهن رو بتونیم حذفشون کنیم، هیچ تعارضی با همدیگه پیدا نمی‌کنند.

خروجی‌های مربوط به مؤلفه‌های سوم و چهارم گونه‌شناسی یعنی «راهبرد فرد برای حضور عینی و انضمامی در جامعه» و «راهبرد عملی فرد در برقراری نسبت با دین»، از محورهای چهارم تا ششم چارچوب مفهومی در کنار چشم‌انداز غایت‌شناسانه‌ای حاصل می‌شود که از محور دوم چارچوب مفهومی به دست می‌آید؛ لکن از آنجاکه این محورها در نسبت مستقیم با حیات انسانی قرار می‌گیرند، منطق استنتاج و استخراج این مؤلفه‌ها در نسبت با حیات انسانی توضیح داده شده است. الگو و منطق مذکور نیز در شکل پیشین ترسیم شده است.

بنا بر چارچوب مفهومی این پژوهش، حیات انسانی به طور کلی و تجربه زیسته دینی افراد به طور ویژه متأثر از درک و برداشتی است که آنها از حقیقت انسان و انسانیت، نقش و جایگاه دین در زندگی خود و چشم‌انداز غایت‌شناسانه‌ای دارند که اعمال جاری و زندگی خود را در نسبت با آن تنظیم می‌کنند. «راهبرد فرد برای حضور عینی و انضمامی در جامعه» به عنوان خروجی چهارم گونه‌شناسی را می‌توان به عنوان وجه اجتماعی زندگی عملی فرد از یک‌سوی به طور کلی متأثر از مجموع عوامل مذکور و از سویی دیگر متأثر از نگرش‌های وی نسبت به پرسش‌های مربوط به حوزه سیاست و حکومت، ذیل محور انتظار از دین و محور ششم چارچوب مفهومی یعنی «مبانی اخلاقی و ارزش‌شناسی» دانست. همین عوامل، صرف‌نظر از پرسش‌های مربوط به حوزه سیاست و حکومت و محور مربوط به مبانی اخلاق و ارزش‌شناسی، با تأکید بر چشم‌انداز غایت‌شناسانه‌ای که فرد متأثر از انسان‌شناسی و نقشی که انتظار دارد دین در مسیر دستیابی به غایت مطلوب برای وی بازی کند، مسیر استنتاج و طبقه‌بندی پاسخ‌ها و نگرش‌ها و مواضع افراد مصاحبه‌شونده با عنوان «بازتاب مواضع معرفتی در اتخاذ راهبرد عملی نسبت با دین» در خروجی سوم را هموار می‌سازند. در ادامه طبقه‌بندی محتوای پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان ذیل دو مؤلفه خروجی گونه‌شناسی ارائه می‌گردد:

۳-۲-۶. بازتاب مواضع معرفتی در اتخاذ راهبرد عملی نسبت با دین

۱. کناره‌گیری و خودآیینی: فرد در این راهبرد، از هر گونه ارتباط با دین کناره‌گیری، و از پیروی از چارچوب‌های دینی دوری می‌کند. با کنار رفتن دین، اصل سامان‌بخش بر زندگی عملی، تشخیص‌های شخصی بر محور دل‌خواست‌های خود فرد است. پسر ۲۵ ساله، دانشجوی کارشناسی ارشد رشته اقتصاد دانشگاه شریف، وضعیت رابطه خود با دین را چنین توضیح می‌دهد:

به تدریج دیگه کم‌کم رها کردم؛ خیلی هم سخت بود. دونه‌دونه پایه‌های فکر رو از اول ساختم؛ یعنی همه چی ریخت پایین، دوباره از اول ساختم. الان به نظرم به وضعیت پایداری رسیدم که دیگه زیادم علاقه‌ای به دین ندارم. به نظرم تاریخش گذشته؛ دیگه چیزی برای گفتن نداره [...] اصلاً مشکل من اینه که به خدایی باشه به خلایی ایجاد کنه توی بنده‌اش که بعد لازم باشه که با دین اون خلأ پر بشه [...]؛ دوست دارم اون کارهایی که می‌کنم تو اون چارچوب ذهنی خودم بگنجه؛

۲. آرامش‌گرایی رادیکال یا آرامش به هر قیمت!: تعبیر «آرامش‌گرایی رادیکال» یا «آرامش به هر قیمت!» عنوان می‌دارد که فرد ذیل آن حصول آرامش را مبنای عملکرد خود قرار می‌دهد و به هر قیمتی که شده و با هر ابزار و وسیله‌ای درصدد کنترل روانی و عاطفی خود بر می‌آید تا از بی‌معنایی جهان بگریزد. دختر ۱۹ ساله، دانشجوی کارشناسی رشته علوم سیاسی دانشگاه تهران استراتژی خود در برابر دین را چنین سامان می‌بخشد:

اصلاً نمی‌دونم. حتی نمی‌دونم بعد مرگ زندگی دیگه‌ای باشه. به تیکه استیبل جای‌گزین هم پیدا کردم. رابطه‌ام با کسی [دوست پسر]؛ خیلی شاید سطحی باشه ولی کار همون [آرامش] رو برام داره انجام می‌ده، رضایت دارم و به‌هو دیگه نترسیدم و به خودم شهامتش رو دادم که خدا ممکنه نباشه [...] چیزی که الان انسان احتیاج داره، چیزی فرای ظاهر لوس تکراریه. حتی به نظرم مواد مخدر هم بتونند ظاهر دنیا رو... یعنی توهم بزنی در ظاهر؛ دنیا برات به چیز غیرعادی بشه، حتی اونم می‌تونه برات کار دین رو انجام بده؛

۳. حیرانی: می‌توان استراتژی دیگری را که در میان لادری‌ها قابل‌شناسایی است، در قالب تعبیر «حیرانی» صورت‌بندی کرد. در این استراتژی فرد لادری با گرفتار شدن در تردید از یک سو و از دست دادن بنیاد دینی برای سلوک عملی در زندگی، در همین حالت برزخ‌گونه معرفت‌شناختی متوقف می‌ماند و سعی خاصی برای فراروی از آن نمی‌کند. این استراتژی به‌نوعی نقطه مقابل

استراتژی «آرامش‌گرایی رادیکال» است و فرد پیرو آن از رنج‌های مترتب بر چنین وضعیتی لذت می‌برد. دختر ۲۳ ساله، دانشجوی کارشناسی ارشد رشته فلسفه علم دانشگاه شریف، نسبت خود با امر دین را به شیوه‌ای عنوان می‌دارد که بازتاب‌دهنده موضع معرفتی وی در اتخاذ راهبرد عملی نسبت به دین است:

الان من کاملاً محتمله که افسردگی بگیرم. خُب وقتی خدا نباشه دیگه هیچی دیگه! جز پوچی باقی نمی‌مونه؛ ولی الان من حتی از این دردها هم لذت می‌برم. از همین دردها حتی از همین تفکرات پوچ‌نگرانه حتی اینها هم برام لذت‌بخشه. حالا دارم فکر می‌کنم. مثلاً اینکه تسکین بیهوده نمی‌دم به خودم؛

۴. **بی‌اعتنایی و التزام‌گزینشی:** معترفان، به لحاظ صورت‌بندی دشوارترین و البته غالب‌ترین گونه حاکم در میان مصاحبه‌شوندگان هستند. ایشان راهبردهای مختلفی را برای تنظیم رابطه خود با دین اتخاذ می‌کنند. می‌توان رایج‌ترین شیوه را استراتژی «بی‌اعتنایی و التزام‌گزینشی» نامید که فرد در آن ضمن اعتراف به اصول بنیادی دین، بسته به شرایط و دل‌خواست خود به برخی بخش‌ها و آموزه‌های دینی بی‌اعتنایی می‌کند و از نظام آموزه‌های دین صرفاً دست به‌گزینش برخی از آنها می‌زند. دختر ۲۲ ساله، دانشجوی کارشناسی رشته مهندسی نفت دانشگاه شریف رابطه فعلی خود با دین را بر اساس نوعی راهبرد «بی‌اعتنایی و التزام‌گزینشی» چنین سامان می‌بخشد:

من همیشه سر به دوراهی‌ام که آگه مسلمونی، این مجموعه قوانین رو باید همه رو قبول کنی؛ این دین توهه! خُب نه، می‌گم اینجا من احساس آزادی بیشتری رو می‌خوام، احساس می‌کنم اون خط قرمزهایی که دین گذاشته رو رعایت نمی‌کنم. به زمان‌هایی هم بوده که رعایت کردم؛

۵. **خودآیینی مسئولیت‌گریز:** راهبرد دیگر که البته صرفاً در یک مورد خاص از مصاحبه‌شوندگان با آن مواجه شدیم، «خودآیینی مسئولیت‌گریز» است. فرد ضمن اعتراف به حقانیت دین و این امر که دین یکی از بهترین راه‌های سعادت بشری است بر این امر تأکید می‌کند که پذیرش دین مستلزم حضور عینی و توأم با تکالیف و ملاحظات آن در زندگی اوست. او مسئولیت پذیرش دین را بر عهده نمی‌گیرد. با کنار گذاشتن دین، تشخیص‌های شخصی و خودآیینی را به عنوان اصل سامان‌بخش بر زندگی عملی خود در دستور کار قرار می‌دهد. پسر ۲۲ ساله، دانشجوی کارشناسی رشته کامپیوتر دانشگاه شریف، رابطه فعلی خود با دین

را بر اساس نوعی «خودآیینی مسئولیت‌گریز» چنین توصیف می‌کند:

اتفاقی که افتاد بیشترش رو می‌ذارم به گردن غرور؛ غرور از این نوعی که من می‌تونم راه خودم رو برم. ... من در مقام این هستم که می‌خواستم مسئولیت رو از گردن خودم بردارم؛ مسئولیت اینکه وقتی شما قبول می‌کنید که من این کار رو انجام می‌دم یا در این گروه هستم باید تماماً بتونی باشی و درست باشی. ... اگر من نوعی ارتباط با خدا دارم پس توی همین می‌مونم و مسئولیت یه راه دیگه (دین) و اسم یه راه دیگه رو قبول نمی‌کنم؛

۶. بازتعریف دین در چارچوب عرف: راهبرد بعدی که در میان مصاحبه‌شوندگان رایج است، «بازتعریف دین در چارچوب عرف» است. فرد علی‌رغم اعتراف به اصول بنیادین اعتقادی دین، به جای پذیرش احکام و چارچوب‌های رسمی مترتب بر آن عقاید، سلوک عملی خود را در چارچوبی تعریف می‌کند که بازتعریف این چارچوب، مبتنی بر عرف و خلاف جهت نبوده است. دختر ۲۷ ساله، دانشجوی دکترای رشته مدیریت دانشگاه تهران رابطه فعلی خود با دین را در قالب بازتعریف چارچوب‌های مبتنی بر عرف معرفی می‌کند؛ دین تا جایی پذیرفته است که با عرف منافات نداشته باشد:

من طیف آدم وسطم؛ یعنی اینکه الان حجابم رو می‌بینید موهام بیرونه؛ نماز می‌خونم و روزه می‌گیرم؛ ولی شاید از نظر حجاب جلوی شوهر خواهرم روسری سر نمی‌کنم، ولی بلوز آستین کوتاه هم تنم نمی‌کنم. یه حد وسط تعریف می‌کنم برای خودم. اکثر جامعه رو می‌بینم که چه شکلی دارند رفتار می‌کنند، سعی می‌کنم خیلی خلاف جهت حرکت نکنم؛

۷. بازتعریف دین در چارچوب تأمین آرامش: یکی از رایج‌ترین راهبردها، «بازتعریف دین در چارچوب تأمین آرامش» است. در این راهبرد، دین اساساً امر تأمین‌کننده آرامش انگاشته می‌شود. فرد ضمن اعتراف به اصول بنیادین دین، در عرصه عمل دین را به دل‌خواست خود و به هر صورتی که نهایتاً کارکرد آرامش‌بخشی را حفظ کند، تغییر شکل می‌دهد. دختر ۲۶ ساله، دانشجوی کارشناسی ارشد رشته فلسفه علم دانشگاه شریف، رابطه فعلی خود با دین را براساس نوعی «بازتعریف دین در چارچوب تأمین آرامش» سامان می‌بخشد:

اگه لاک داشته باشم، وایمیسم نماز می‌خونم. اگه دلم بخواد نماز بخونم، ترجیح می‌دم تا جایی که می‌شه لاک نداشته باشم، آرایش نداشته باشم، با وضو نماز بخونم؛ ولی وقتی می‌بینم شرایطم این جوریه و خیلی دلم می‌خواد با خدا حرف بزنم و نماز خیلی آروم می‌کنه وایمیسم نماز می‌خونم و با اون چیزا کاری ندارم؛

۸. **تحکیم و تقویت:** راهبردی را که مقیدین کل‌گرا در رابطه خود با دین اتخاذ می‌کنند، می‌توان «تحکیم و تقویت» نامید. این افراد صرف‌نظر از میزان پایبندی، دین را فراگیر تمام شئون زندگی خود می‌دانند و می‌کوشند در تمام لحظات به این آرمان پایبند باشند. تحقق این آرمان مستلزم تقویت ایمان با استفاده از آموزه‌هایی است که در خود دین برای این امر معرفی شده است و غالباً صورت فراروی از ایمان مبتنی بر تربیت خانوادگی سنتی و دستیابی به دیدگاهی استدلالی و خدشه‌ناپذیر به خود می‌گیرد. پسر ۲۱ ساله، دانشجوی کارشناسی رشته معماری دانشگاه تهران رابطه فعلی خود با دین را بر اساس فرایندی مبتنی بر «تحکیم و تقویت» مبانی اعتقادی توصیف می‌کند:

من به جای اینکه برگردم مثل خیلی از دوستانم که هفته‌های اول دانشگاه نماز می‌خواندند، الان دیگه نماز که نمی‌خوانند هیچی، خیلی کارهای دیگه هم می‌کنند، اتفاقاً دین برام مهم‌تر شده که مخصوصاً نمازم رو بخونم؛ چون تازه دارم می‌فهمم که «اقم الصلوة لذكری» یعنی چی؟! تازه دارم می‌فهمم این جملاتی که همین جوری لقلقه زبانم بوده معنی‌اش چیه.

۴-۲-۶. موضع فرد نسبت به کیفیت حضور دین در اخلاق اجتماعی و سیاست

۱. **اخلاق دینی و سیاست عرفی:** فرد در این راهبرد در حوزه سیاسی، حکومت عرف و انتخاب مردم را به عنوان تنها مبنای اجرای احکام بر حکومت دینی ترجیح می‌دهد و در وادی عمل و در شاخص مربوط به حوزه سیاست و حکومت‌داری، الگوی حکومت سکولار را پیشنهاد می‌کند؛ اما مبنای دینی را در حوزه اخلاق و به عنوان برنامه‌ای برای زندگی پذیرفته است که محدود به حوزه شخصی یا روابط انسانی کم‌دامنه باشد؛ روابطی که به سطح مسائل سیاسی و امور مربوط به حکومت نمی‌رسند. دختر ۲۴ ساله، دانشجوی ارشد مدیریت بازرگانی دانشگاه تهران درباره موضعش نسبت به کیفیت حضور دین در ساحت اجتماعی و سیاست چنین می‌گوید:

من دین رو خیلی شخصی می‌بینم. این خانواده‌ها هستند که باید یه جوری بچه‌ها رو تربیت کنند، به اجتماع بدن که این بچه نهادینه بشه؛ نه اینکه از نیروی خارجی به خانواده دیکته بشه که فلان کار رو باید بکنی. واقعیتش اینه که دین رو یه قضیه شخصی می‌دونم؛ اجتماعی تا حدی، ولی نه تا اون حد که ما الان داریم.

۲. **اخلاق عرفی و سیاست عرفی:** در این راهبرد، فرد با نفی هرگونه مبنای ذاتی برای اخلاق، کل نظام اخلاقی را برخاسته از فرهنگ و عرف بشری معرفی می‌کند. دین و آموزه‌های اخلاقی مبتنی بر آن از سنخ گزاره‌هایی به شمار می‌آیند که ایده‌ها و باورها مبنایشان بوده‌اند و آنها را ساخته‌اند، نه اینکه منشأیی غیرانسانی، ماورایی و الهی داشته باشند. اخلاق از وجود انسان برمی‌خیزد، نه امری که برای وجود اوست؛ لذا اساساً باید با عرف و اعتبار اجتماعی تغییر یابد. در حوزه سیاسی نیز فرد حکومت عرف و انتخاب مردم را به عنوان تنها مبنای اجرای احکام بر حکومت دینی ترجیح می‌دهد. دختر ۲۴ ساله رشته فلسفه علم دانشگاه شریف در خصوص کیفیت حضور دین در اجتماع و سیاست چنین می‌گوید:

- خوب و بد اخلاقی از کجا می‌آید؟

- یه سری چیزها و ارزش‌ها هست که ما روشن اجماع داریم؛ تو اکثر جوامعی که از تمدن بهره‌مند شدند یه سری ارزش‌ها هست که روشن اجماع شده [...] مکاتب خیلی قوی فلسفی هست؛ مثلاً نظام‌های فلسفی، رساله‌هایی که در مورد جوامع دموکراتیک گفتند، اینها باعث شده یه نظام عقلانی شکل بگیره که احساس می‌کنم تا حد زیادی هم جواب داده. [...] نهایتاً می‌تونیم از طریق مسیر به قانونی برسیم که همه ازش منتفع بشن؛ کسی نباشه که ضرر کنه این وسط. ممکنه که یه نفر یه جا ضرر کنه، ولی بتونیم کاری کنیم که برای عموم مردم بشه این کار رو کرد؛

۳. **اخلاق عرفی و سیاست دینی:** در این راهبرد، فرد با نفی هرگونه مبنای ذاتی برای اخلاق، کل نظام اخلاقی را برخاسته از فرهنگ و عرف بشری معرفی می‌کند؛ اما درحالی‌که غالب افرادی که با حضور دین در تمامی شئون زندگی مخالف‌اند، بیشتر تأکیدشان بر عدم حضور دین در ساحت و عرصه عمومی، اجتماعی و کلان است، در این راهبرد، بیشتر تأکید بر عدم حضور دین در حوزه خصوصی فرد از جمله مبنای تنظیم اخلاق فردی و نیز اجتماعی است؛ لکن در عرصه کلانی چون سیاست، فرد نسبت به حضور یا عدم حضور دین لاابشرط است. دختر ۲۱ ساله، دانشجوی لیسانس رشته مهندسی نفت دانشگاه شریف، دیدگاه خود را درباره اینکه دین در چه عرصه‌هایی باید حضور داشته باشد، چنین می‌گوید:

احساس می‌کنم دین همه جای زندگی آدم هست؛ رابطه‌اش با خانواده، توی همه مسائل آدم هست و برای جامعه باید باشه [...] خیلی جاها تو زندگی شخصی‌ام دین رو دخیل نمی‌کنم. مصداق بارزش برای ماها که تو دانشگاه هستیم رابطه با جنس مخالفه خیلی؛ شاید الان دین

بگه نه شما باید به حریم بیشتری رعایت کنید. شاید این قدر رعایت نمی‌کنم؛

۴. **کثرت‌گرایی مبانی اخلاق و سیاست:** در راهبرد کثرت‌گرایانه، نظام ارزش‌های دین نمی‌تواند اعتباری مطلق داشته باشد و البته هر تفسیری را می‌توان بر آن سوار ساخت. در حوزه سیاسی می‌توان از نوعی صورت‌بندی از نظریه دموکراسی سخن گفت. تکثرگرایی در مبانی اخلاقی نیز موجب می‌گردد که حسن فعلی در سلوک و مشی رفتاری از جایگاه چندان مستحکمی در نزد مصاحبه‌شونده برخوردار نباشد؛ چراکه تمامی این صورت‌های ظاهری اعمال، از راه‌های پیمودن مسیر و سلوک اخلاقی هستند و عدول‌پذیرند. موضع دختر ۲۳ ساله، دانشجوی لیسانس رشته مهندسی کامپیوتر دانشگاه شریف، درباره نحوه حضور دین در جامعه چنین است:

من به جوری زندگی نمی‌کنم که اگر هم [آخرتی] بود بر فرض محال چون خیلی حسم نسبت بهش کم هست، مشکل ایجاد بشه؛ یعنی به یه اخلاقی قائل هستم. ... [ولی] کلاً با مفهوم بهشت و جهنم مشکل دارم؛ یعنی فکر می‌کنم همینی که هر کی داره کسب می‌کنه، براش می‌تونه هم بهشت باشه هم جهنم.

خودآیینی و فردگرایی افراطی فرد در مبنای ارزش‌شناختی و اخلاقی نیز خود را چنین نشان می‌دهد: «ولی فکر و حس خودمه نسبت به درستی و غلطی؛ یعنی عقل خودمه. هر کی به نظری داره، ولی من فقط به عقل خودم دسترسی دارم و کاری رو که به نظرم درسته بکنم کافیه»؛

۵. **اخلاق انسانی / فردی:** فرد در این راهبرد بر اساس فردگرایی افراطی در مبنای ارزش‌شناختی و اخلاقی، تا جایی پیش می‌رود که علاوه بر نفی مبنای دینی یا ذاتی اخلاق، مبانی اعتباری آن را نیز برنمی‌تابد. این راهبرد به نوعی آنارشسیسم اخلاقی درباره حقوق اجتماعی زندگی جمعی و مسئولیت‌پذیری انسانی می‌انجامد؛ حوزه سیاسی اساساً خارج از علاقه قرار می‌گیرد و فرد نسبت به موضع‌گیری درباره آن لابلش‌ط است. پسر ۲۴ ساله دانشجوی ارشد رشته اقتصاد دانشگاه شریف، درباره کیفیت حضور دین در اجتماع و سیاست چنین بیان می‌کند:

به نظر من بیشتر دینه که از رفتار تأثیر پذیرفته؛ یعنی شما سعی می‌کنید که معیارهای دین رو، روایت‌های دینی رو شل و سفت کنید تا به اخلاق بخوره. دین‌شون رو کاستومایزه می‌کنند... به نظرم چیزی به نام اخلاق وجود نداره؛ یعنی اصل جهان‌شمولی براش وجود نداره؛ دموکراسی رو

برای این گفتم قبول دارم که خیلی از این اصول اخلاقی هم از عرف میاد دیگه. من فکر نمی‌کنم شما بتونید برای من استدلال کنید که چرا قتل بده. من این همه فکر کردم، نفهمیدم چرا قتل بده. بد و خوب به نظر من یه چیزیه که تو بستر اجتماع تعریف می‌شه... همون دموکراسی مهم‌تره. هر چی مردم انتخاب کردن.

- در انجام اعمال و رفتار، خودت را در قبال چه کسی مسئول می‌بینی؟ اصلاً مسئول می‌دانی؟
- بیشتر در مقابل خودم دیگه. مثلاً یه کارهایی که دوست دارم بهش شناخته بشم، مثلاً من آدمی هستم که بسیار دوست دارم همه من رو به صراحت و صداقت بشناسند؛ مثلاً دروغ می‌گم اذیتم می‌کنه؛ مثلاً فکر نمی‌کنم که حق اون آدمه که دروغ از من نشنوه، حق هیچ‌کس هیچ چیزی نیست. من دوست دارم خودم یه جور رفتار کنم که خودم راحت‌تر باشم. دوست دارم اون کارهایی که می‌کنم تو اون چارچوب ذهنی خودم بگنجه؛

۶. **اخلاق و سیاست ذیل دین:** از منظر این راهبرد، دین تنها مبنای اصیل اخلاق است و در موارد تعارض مبانی حقوق اجتماعی مدرن و حقوق اجتماعی اسلامی، امکان نادرست بودن دین اساساً منتفی است و باید جانب آموزه‌های دینی را گرفت. در حوزه سیاست و حکومت نیز حکومت مبتنی بر دین مشروع است و دین از سیاست جدا نیست و البته باید سیاسی باشد. پسر ۲۳ ساله، دانشجوی ارشد رشته اقتصاد شریف، درباره کیفیت حضور دین در عرصه‌های مختلف چنین می‌گوید:

خدا یه سری عبادت فردی تعریف کرده و یه سری عبادت اجتماعی که اینها جفتشون واسه نزدیکی بیشتر آدم به خداند؛ جفتشون مقدمات ارزشمندی‌اند. این جور نیست که نماز رو می‌خونم تا جمهوری اسلامی به دست بیاد یا اینکه جمهوری اسلامی رو داریم که نماز رو بخونم. جفتشون برای این هستن که من به خدا نزدیک‌تر شم... گاهی شنیدید که میگن آقا رفتیم اونجا [کشورهای غربی] هفت سال بودیم، یه بار نشد کارمند بانک با غیر از لبخند از ما استقبال کنه؛ یه بار پیش نمایاد که فلان قبض مالیاتی‌اش رو این جور پر بکنه. خوب واقعاً این شبهه خیلی به‌روزه و به‌نظرم یکی از مؤثرترین شبهه‌هاست که جامعه ما جوون‌های ما حتی میانسال‌های ما و حتی خانواده‌های ما رو تحت تأثیر گذاشته. اینکه من تو اروپا اسلام رو بیشتر دیدم و مسلمون رو کمتر؛ این هم از همین قبيله. من خیلی بدم میاد از این حرف؛

نتیجه‌گیری

پژوهش در حوزه دین، هر محققی را رودرروی حوزه مطالعات بسیار گسترده‌ای قرار می‌دهد که بی‌اعتنایی به چنین پیشینه‌ای می‌تواند به بی‌فایده‌گی تلاش‌های پژوهشگر بینجامد. از سویی دیگر، تقید بیش از حد ساختار ذهنی پژوهشگر به نظریات و چارچوب‌های پیشینی، می‌تواند امکان هر نوع نوآوری و بداعتی را سلب کند. در چارچوب مفهومی ساخته و پرداخته شده در این پژوهش تلاش شد تا با اتکا بر روش پژوهش نظریه‌مبنایی راهی میانه در زمینه اتخاذ شود. از سویی، مرور گسترده ادبیات نظری و تجربی موجود در زمینه دین‌داری و نگرش‌های دینی و انواع دین‌داری و... و جمع‌بندی و طبقه‌بندی آنها در فرایندی چندمرحله‌ای و از سویی دیگر، به محک ارزیابی گذاشتن آنها در میدان تجربی مصاحبه‌های عمیق به منظور غربال و گزینش شاخص‌های نهایی، امکان تدوین چارچوبی مفهومی را فراهم ساخت که در عین جامعیت نسبی، از مبنایی استوار برای نوعی گونه‌شناسی بدیع در باب مواضع معرفتی دانشجویان نسبت به دین برخوردار است. همان‌طور که نشان داده شد، چارچوب مفهومی‌ای که از فرایند چرخه‌ای رفت و بازگشت میان استقرا و قیاس حاصل شده بود، تناظر نسبی خود را با مؤلفه‌هایی نشان داد که در تعاریف شرح‌الاسمی دین گنجانده می‌شوند.

مقوله‌بندی پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان ذیل محورهای شش‌گانه چارچوب مفهومی و تجمیع آنها در قالب مدل تحلیلی ارائه‌شده برای گونه‌شناسی در چهار مؤلفه، تمایزگذاری‌هایی بدیع برای گونه‌شناسی مواضع معرفتی دانشجویان نسبت به دین فراهم ساخت. در مؤلفه «راهبرد هستی‌شناسانه»، چهار موضع معرفتی «منکر»، «لاادری»، «معترف» و «کل‌گرا» شناسایی شدند. در مؤلفه «راهبردهای معرفتی فرد نسبت با دین»، نه موضع معرفتی «حیرانی»، «کثرت‌گرایی»، «علم‌آیینی»، «عقل‌آیینی»، «خودآیینی»، «بازتعریف امر معرفتی در چارچوب امر کارگری»، «بازتعریف امر معرفتی به امر اعتباری (عرف‌آیین)»، «احتیاطی» و «علم و عقل در چارچوب دین» شناسایی شدند. در مؤلفه «بازتاب مواضع معرفتی در اتخاذ راهبرد عملی نسبت به دین» هشت موضع معرفتی «کناره‌گیری و خودآیینی»، «حیرانی»، «آرامش‌گرایی رادیکال»، «بی‌اعتنایی و التزام‌گزینشی»، «خودآیینی مسئولیت‌گرای»، «بازتعریف دین در چارچوب عرف»، «بازتعریف دین در چارچوب تأمین آرامش» و «تحکیم و تقویت» به دست آمدند؛ و سرانجام در مؤلفه «موضع فرد نسبت به کیفیت حضور دین در اخلاق اجتماعی و سیاست»، شش موضع معرفتی «اخلاق دینی و سیاست عرفی»، «اخلاق عرفی و سیاست عرفی»، «اخلاق عرفی و سیاست دینی»، «کثرت‌گرایی

مبانی اخلاق و سیاست»، «اخلاق انسانی» و «اخلاق و سیاست ذیل دین» شناسایی شدند. همان‌طور که اشاره شد، از ضرب حالات مختلف مؤلفه‌های گونه‌شناسی، امکان‌های بی‌شماری برای گونه‌های حاصل از گونه‌شناسی متصور است؛ اما روشن است که همنشینی مواضع معرفتی خاصی را فقط می‌توان در دنیا واقعی بازجست. با این حال، یکی از روشن‌ترین نتایجی که می‌توان از همنشینی مواضع معرفتی مختلف بدان دست یافت، این واقعیت است که در جرگه دین‌داران و نیز کسانی که سلبی‌ترین مواضع معرفتی ممکن را در زندگی خویش نسبت به دین در پیش گرفته‌اند، نه با طیفی تک‌خطی بر اساس شدت و ضعف، که بیشتر با الگوهایی با قدر مشترک ناچیز مواجهیم؛ هویت‌های دینی و نه یک هویت دینی واحد؛ دین‌داری‌ها و نه دین‌داری؛ دین‌گریزی‌ها و نه دین‌گریزی.

این سلايق و تنوع در دین‌داری، مستلزم ترسیم مسیرهای مختلف تکوین چنین شرایطی است. این کار نیازمند مجال دیگری است؛ اما باید اذعان کرد که بسیاری از توصیف‌ها و یافته‌های این پژوهش فقط در کنار بحث از چگونگی تکوین وضعیت دین‌داری و فرایند هویت‌یابی دینی معنای اصیل خود را می‌یابند. با این همه آنچه به طور کلی از بررسی روند این فرایندهای هویت‌یابی و نیز تنوع نشان‌داده‌شده در این مقاله برمی‌آید، حاکی از وضعیت خاصی از سکولار شدن زندگی دانشجویی است که در آن، بیش از به حاشیه‌رانده شدن دین از قلمرو زندگی، دین به طرز افراطی سلیقه‌ای می‌شود و رنگ و لعاب تجارب زیسته افراد را به خود می‌گیرد. از این‌رو و جوه هنجارین و هنجاربخش آن به شدت کم‌رنگ‌تر، و از سویی در چارچوب خصیصه‌های شخصی هر فرد بازتعریف می‌شود. بازتعریف دین در چارچوب‌های مختلفی که فرد در قالب آنها بتواند دین را به عنوان امری حاشیه‌ای در کرانه‌ای از زندگی خویش جای دهد، راهبرد کلی‌ای است که افراد بدین وسیله کماکان دین را با آن در زندگی خویش حفظ می‌کنند.

منابع

۱. آروین، بهاره (۱۳۸۴). بررسی رابطه میان نهادمند شدن دین و شخصی شدن آن در جامعه ایرانی پس از انقلاب اسلامی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی. دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
۲. آزاد ارمکی، تقی، و غیاثوند، احمد (۱۳۸۱). تحلیل جامعه‌شناختی دین‌داری جوانان با رویکرد بی‌شکلی دین‌داری، پژوهشنامه علوم انسانی. ۳۵: ۱۳۳ - ۱۶۰.
۳. اسدی شباده، مریم (۱۳۹۰). بررسی انواع دین‌داری زنان در شهرستان آمل، مقایسه دین‌داری دختران دهه شصت با دین‌داری مادرانشان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مطالعات فرهنگی. دانشگاه علم و فرهنگ تهران.
۴. برگر، پیترال. (۱۳۸۰). افول سکولاریزم: دین خیزشگر و سیاست جهانی. ترجمه افشار امیری. تهران: مؤسسه نشر پنگان.
۵. بیابانی، آریتا (۱۳۸۱). بررسی رابطه پایگاه اقتصادی اجتماعی با نوگرایی دینی با تأکید بر دانش‌آموزان پایه سوم دبیرستان‌های دولتی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت مدرس تهران، دانشکده علوم انسانی.
۶. توسلی، غلام‌عباس، و مرشدی، ابوالفضل (۱۳۸۵). بررسی سطح دین‌داری و گرایش‌های دینی دانشجویان (مطالعه موردی: دانشگاه صنعتی امیرکبیر)، مجله جامعه‌شناسی ایران: ۲۸، ۹۶ - ۱۱۸.
۷. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۲). شریعت در آینه معرفت. قم: مؤسسه فرهنگی رجاء.
۸. حبیب‌زاده، رامین (۱۳۸۴). بررسی انواع دین‌داری در بین دانشجویان دانشگاه تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت مدرس تهران، دانشکده علوم انسانی.
۹. حسن‌پور، آرش، و ربانی، علی (۱۳۹۳). نقد مطالعات گونه‌شناسی دین‌داری و ارائه چارچوبی نو، مجله راهبرد فرهنگ: ۲۸، ۶۱ - ۹۰.
۱۰. ذوالفقاری، ابوالفضل (۱۳۸۹). رابطه میزان دین‌داری (التزام دینی) با نوع دین‌داری، فصلنامه علوم اجتماعی. ۴۹، ۶۷ - ۱۰۴.
۱۱. راد، فیروز، و منبری، راحله (۱۳۸۸). مقایسه بررسی برخی عوامل روانی و اجتماعی مرتبط با میزان دین‌داری دانشجویان، مجله مطالعات جامعه‌شناسی. ۲: ۳۱ - ۵۲.
۱۲. ربانی گلپایگانی، علی (۱۳۸۶). ریشه‌ها و نشانه‌های سکولاریسم. تهران: انتشارات کانون اندیشه جوان.
۱۳. سبحانی تبریزی، جعفر و دیگران (۱۳۷۴). اقتراح، مجله نقد و نظر. ۳ و ۴: ۴ - ۲۹.

۱۴. سراج‌زاده، حسین و همکاران (۱۳۸۳). بررسی رابطه میزان دین‌داری و انواع آن با مدارای اجتماعی، علوم اجتماعی. ۱(۴): ۱۰۶-۱۴۲.
۱۵. سروش، عبدالکریم (۱۳۷۸). اصناف دین‌ورزی، کیان. ۵۰: ۲۳-۲۵.
۱۶. شایگان، فریبا (۱۳۸۶). بررسی رابطه دین‌داری و اعتماد سیاسی. رساله دوره دکتری جامعه‌شناسی. دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده علوم اجتماعی.
۱۷. شجاعی‌زند، علیرضا (۱۳۸۱). عرفی شدن در تجربه مسیحی و اسلامی. تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران، انتشارات باز.
۱۸. شجاعی‌زند، علیرضا (۱۳۸۴). مدلی برای سنجش دین‌داری در ایران، جامعه‌شناسی ایران. ۶: ۳۴-۶۶.
۱۹. شجاعی‌زند، علیرضا (۱۳۹۱). مبنای ساخت مدل برای سنجش دین‌داری، روش‌شناسی علوم انسانی. ۶۸: ۱۴۵-۱۶۸.
۲۰. غلامی‌زاده بهبهانی، شیرین (۱۳۸۵). دین‌داری موازی؛ مطالعه دلایل جامعه‌شناسانه پیدایش آن. پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی. دانشگاه الزهرا.
۲۱. فراستخواه، مقصود (۱۳۸۶). نمایی از دین‌ورزیدن طبقات متوسط جدید شهری. برگرفته از وبلاگ شخصی: <http://farasatkah.blogspot.com>
۲۲. فلیک، اووه (۱۳۸۸). درآمدی بر تحقیق کیفی. ترجمه هادی جلیلی. تهران: نشر نی.
۲۳. کدیور، محسن (۱۳۸۵). داد و ستد اسلام و مدرنیته، همایش دین و مدرنیته. مرکز بین‌المللی گفت‌وگوی ادیان. تهران: حسینیه ارشاد.
۲۴. کرسول، جان (۱۳۹۱). پویای کیفی و طرح پژوهش. ترجمه حسن دانایی‌فرد و حسین کاظمی. تهران: صفار- اشراقی.
۲۵. کرمی، سعید (۱۳۸۸). سکولاریسم؛ خاستگاه، مبانی و مؤلفه‌ها. تهران: امیرکبیر.
۲۶. کمالی اردکانی، علی‌اکبر (۱۳۹۱). بررسی و نقد مبانی سکولاریسم. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۲۷. گنجی، محمد؛ هلالی ستوده، مینا (۱۳۹۰). رابطه گونه‌های دین‌داری و سرمایه اجتماعی، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی. ۲: ۹۵-۱۲۰.
۲۸. معجهد شستری، محمد (۱۳۸۱). نقدی بر قرائت رسمی از دین؛ بحران‌ها، چالش‌ها و راه‌حل‌ها. تهران: انتشارات طرح نو.

۲۹. محدثی، حسن (۱۳۷۹). مأخذشناسی مطالعات تجربی دین‌داری در ایران. تهران: مرکز پژوهش‌های بنیادی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۰. محدثی، حسن (۱۳۹۲). امتناع اندازه‌گیری دین‌داری و امکان رتبه‌بندی نوع دین‌داری، مجله مطالعات اجتماعی ایران، ۱۷(۱): ۱۳۶ - ۱۶۵.
۳۱. محمدی اردکانی، فائزه (۱۳۸۲). شناخت انواع دین‌داری‌های جوانان و عوامل مؤثر بر آن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم اجتماعی. دانشگاه علامه طباطبائی.
۳۲. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۰). آموزش عقاید. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۳۳. مطهری، مرتضی (۱۳۶۹). مجموعه آثار. قم: صدرا.
۳۴. ملاحسنی، حسین (۱۳۸۱). بررسی رابطه میزان سرمایه اجتماعی و نوع دین‌داری در بین دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان در استان گلستان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی. دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.
۳۵. ملکیان، مصطفی (۱۳۷۸). سخنی در چند و چون ارتباط اسلام و لیبرالیسم، کیان، ۴۸: ۱۰ - ۱۳.
۳۶. موحد، مجید، و حمیدی‌زاده، احسان (۱۳۸۹). مطالعه رابطه میان دین‌داری دانشجویان دوره دکتری دانشگاه شیراز با گرایش و فعالیت علمی آنان، پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه، ۴: ۱۵۷ - ۱۸۰.
۳۷. میرسندسی، محمد (۱۳۸۳). مطالعه میزان و انواع دین‌داری دانشجویان. پایان‌نامه دکتری. دانشگاه تربیت مدرس تهران، دانشکده علوم انسانی.
- نیک‌پی، امیر (۱۳۸۰). نگاهی به برخی تحولات دینی در ایران معاصر، نامه انجمن جامعه‌شناسی، ۳: ۴۳ - ۶۰.
۳۸. نیک‌پی، امیر، و خسروخاور، فرهاد (۱۳۸۲). مطالعه دین‌داری جوانان. گزارش در گروه جامعه‌شناسی دین، انجمن جامعه‌شناسی ایران.
۳۹. وبر، ماکس (۱۳۹۲). اقتصاد و جامعه. ترجمه عباس منوچهری، مهرداد ترابی‌نژاد و مصطفی عمادزاده. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
۴۰. همتی، همایون (۱۳۸۴). اندیشه دینی و سکولاریسم. تهران: انتشارات کانون اندیشه جوان.
۴۱. هوشنگی، طیبه (۱۳۸۶). بررسی رابطه انواع دین‌داری و ابعاد نظام شخصیت در شهر قم. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده علوم اجتماعی.

42. Berger, Peter (1967) *The Sacred Canopy: Elements of a Sociological Theory of Religion*. New York: Anchor Books.
43. Bruce, Steve (2002). *God is Dead: Secularization in the West*. Oxford: Blackwell.
44. Khosrowkhavar, F. (2007). The New Religiosity in Iran, *Social Compass*. 54 (3): 453–463.

پی‌نوشت

۱. این مقاله، برگرفته از طرحی پژوهشی با عنوان «تبیین بومی سکولاریسم در نخبگان، انواع و مؤلفه‌های آن و نحوه سنجش آنها؛ با تأکید بر سکولاریسم معرفتی» است که به سفارش «بنیاد فرهنگ و تعالی مینا» انجام پذیرفته است. بدین وسیله، از گروه پژوهشی‌ای که در طول مراحل مختلف این پژوهش به ما کمک کرده‌اند، قدردانی و تشکر می‌شود.
۲. بنا بر عرف متکلمین، می‌توان بحث امامت و عدل را به ترتیب ذیل نبوت و توحید مطرح ساخت.

